

دولت ایران را اطلاع داده است که قشون خود را از اراضی متنازع فیه سرحدی خارج مینماید مشروط بر اینکه در آن مقامات قشون خارج جای گزین نگردد بموجب خبری که روزنامه پانیر رسیده دست قشون انگلیس که از تصحیفات حرکت کرده وارد شیراز گردید و از آنجا بطرف بوشهر و هندوستان رهسپار خواهند آمد

سرجز رئیس در دارالشورای ملی انگلستان بر سرش نمود که آنا تدارکی شده است در حصه بصرف ایران منباب جواب امتیازات

متر آن جواب داد که دولت انگلیس هیچ وجه سانی نیست که جلب امتیازی از ایران بنماید ولی برخی سرحداتت ها از رعایای انگلیس در خصوص جلب امتیاز راه آهن از محرقه الی خرم آباد رسیده است

(جبل النور)

باز هم انقلابات اروپا يك مهلت موقتی بایران بخترده ملاقات بانورول اگر تلاحظه بانکان بود روی دیگر میشود و در آنها محض جلب منافع خود شان در بانکان و مهیت انگلیسان با آنها اندکی در مطالبات ایران سر تسلیم خم نمودند - حالا موقع آن است که ایرانیان این مهلت مختصر را شنبهت شمرده جدا کار کنند علاوه بر این دولت عثمانی هم بواسطه موقع نازک خود آن مقدار برا که از دست ایران تصاحب نموده بود و در حقیقت از هشت سال باینصرف مناقشات مهمه سرحدی پیش بود نخواهد می نماید اگر چه برخی اخراج قشون عثمانی را با بودن قشون روس در آن نواح مقروط جبره ایران نمی بدارند ولی چون روسیان هم تا درجه بعال امتیازات عثمانی در بانکان مشغول اند و انگلیسان هم بتلاحظه خود سعی میکنند که قشون روس از شهری ایران خارج شود مظلون است اگر ایرانیان جدا در کنند و اغراض شخصی را بیک سو بکشند و شغاس کاری را بروی کار آرند ممکن است ازین مساعدت موقتی سیاست در آینده بتوانند گام خود شورا از آب بکشند

تکلیف ریاست اوزرانی ایران به سعید الدوله اگر راست باشد دو نکته را مدال میدارد - اول عاجزگی بختیاریان از وزارت خانها و این امر را

ما چندان بد نمی دانیم - ولی نباید قوه قویه دایمی مملکت که در این چند ساله تجربه های نیک آموخته و امتحانات کاملاً داده بیکار افتد همان قدر که ما مخالف با وزارت بختیاری هستیم مساعد گرفتن کارهای فتونی از آنها مینماییم بشرطیکه از روی صحت و قانون باشد - نکته دیگر تغییر قانون اساسی مملکت است - چه این مسئله ایست که نسبت به سمدالدوله از آغاز ورود امین السلطان میدادند

سمدالدوله بدون حرف مردیست عالم - فعال -

واقف بمواقف وقت دانا برروز سیاست - چهل سال عمر خود را در اروپا صرف نموده ولی ضمناً چند نقص هم در وزارت او بنظر میرسد - اول آنکه تجربه کامله از امورات داخله ندارد خصوصاً این دوره را نمی توان قیاس به ادوار سابق نمود - دوم اینکه حال سازش و حل و حوصله را با زبردستان و زودستان خود دارا نیست و هرگز کن نمیرود که بایات سلطنت و هر کس باشد صلاح و مسالمت و اتفاق بگذراند ما همراه با اشخاصیکه برخی الزامات در دوره امین السلطان و بعد از بمباردمان مجلس به سمدالدوله میدهند مینماییم ولی مخالف و دیم با ایشان در قبول نهدت وزارت در عهد محمد علی - و اگر سعید الدوله در آن موقع قبول وزارت نموده بود یقیناً بعد از فتح طهران اول شخصی که ریاست وزراء انتخاب میشد ایشان بود

حالا حرف در این است که آیا آب سمدالدوله باناسر المملک بیک جوی تواند رفت یا نه ؛ کمان این است که چون هر دو علاند ممکن باشد متحدانه بوطن خود خدمت کنند و این آخرین موقتی است که در این آخر عمر برای سمدالدوله پیش آمده که خوبترن را از رجال تاریخی ساخته بوطن خود خدمت نماید - و ما امیدواریم که اگر سمدالدوله واقعا ریاست اوزرانی ایران منتخب آید لکه های درین راه که بحق یا ناحق بدویتی یا دشمنی بروی ایشان گذارده شده از خلوص نیت و حسن خدمت زدوده آید - نظر بدوستی دیرینه که ما با ایشان داشته ایم تذکاراً عرض مینمایم که این آخرین موقع و بهترین محل امتحان است چه شود نام بیک خود را در سربلوحه تاریخ ملی ایران با افتخار ثبت نماید

کاکه

و کلاه حق اخذ ابونه بدون قبض تا وقت  
مشترکین را قبض مخصوص سال بیستم دست نباشد  
دوره شان بری شناخته میشود

متریت نمبر ۲

HABULMAY  
L. MEDICAL  
CALCUL.

اداره بامدر

سلام است

بسه طبع

توزیع میشود

سوم دوشنبه

ساخته ذی قعدة ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۱۱ نومبر ۱۹۱۲ میلادی

( قیمت اشتراك )

سالانه — شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپيه — ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۴ قران — ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك

روس و زکاتار

۱۰ منات — ۶ منات

# الملتانك

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

( معروف اداره درج نمیشود )

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و انتشارش اداره آزادست )

## ( جنگ بالکان )

عاقبت آنچه متصور نبود قریباً منصفه شهود در آمد یعنی چیرگی امارات بالکان به باهالی. اگرچه از سی سال پیش طرف امریک از امارات بالکان پیش از آنچه از آنات منصور بود بر قوای جنگی خود افزودند تا جائیکه تمام هستی خود و عائدات مملکتی را در ازدیاد قوای خویش صرف و ابواب اضافه عائدات خودشان را مسدود داشته و دیگر باب استقراضی هم برای آنان کشوده دیده نمیشد از این رو بمصرین جنگی قوای امارات بالکان را بی اساس دانسته و بواسطه قلت مالیه و ممکن نبودن قرض استقامتشان را در یک جنگ چند ماهه غیر ممکن تصور میکردند و بر عکس عثمانی که حیثیت مالی اش بهتر از آنها بود و امکان بقرض همداشت و حیثیت فتوئی او به نفعی از قوای امارات بالکان افزون بود لذا از آغاز جنگ چنین تصور میرفت که عثمانی قسمی سرکوبی با امارات بالکان خواهد داد که نادبر باز مخالفت و جنبشی نتواند نمود و خارج از قیاس بود که در چند هفته امارات کوچک بالکان چنان عثمانی را به بیج و ناب اندازند که تهدید ترک اسلامبول و تبدیل پای تخت به آسیای صغیر صادر گردد

عثمانیان هیچگونه اهمیتی به پیشقدمیهای فره طاع و یونان و سرویا نداده و گویا فقط قشون ساختاری سرحدات را برای مدافعه آنات کافی تصور میکردند و تمام توجه خودشان را بر سرکوبی امارت بلغار معطوف می نمودند، در حقیقت هم

خیالشان دوست بودی، چه امارت بلغار من حیث القوه افزون از سه امارات دیگر بود و با بامار هم مسلک مهاجمه اختیار نکرده و فقط اصول مدافعه اختیار شده است، اگرچه تنگنارافاتی که از طرف امارات بالکان اشاعه می شود خیلی رنگ آبیژ و با اغراق است و ضد آنها از اسلامبول اشاعه می یابد ولی رویه رفته که ملاحظه شود تا کتون باید گفت هر میدان امارات بالکانند

درین خصوص عقیده دامایف مختلف است بعضی میگویند بواسطه اختلافات رجال عثمانی و احزاب سیاسی قشون از کار اوقاده یا نظر باغراض حزبی چنانچه شاید و باید پای استوار نمی افشارند، برخی دیگر چنین بنداشته که عثمانیان با منتهای سیاست نقشه کشیده و با اختیار از جلو لشکریات امارات بالکان عقب می نشینند و باین اصول قوای آنات را منتشر و مشغول داشته تا در آخرین میدان مدافعه کامل نموده یک مرتبه آنان را از جلو بردارند و علت اختیار نمودن این مسلک دو نکته است - اول آنکه دول بزرگ که در فتوحات امارات بالکان آنها را بی بهره نمیخواهند مجبوراً به بی برگی فتوحات عثمانی هم نتوانند رأی داد، دیگر آنکه قشون شرقی متدرجا رسیده قوای مرکزی عثمانی را مستحکم نماید و همجهه تصور می شود که باصلی بدو قوای خویش را در عقب نشانند بلغار بکار خواهد برد، و از آن بعد یونان و سرویا را عقب نشانند برای وی دشوار نخواهد

### تذکرات راجعه به عثمانی

بر حسب تذکرات روتر اخبار اینکه از میدان جنگ رسیده تشویش آور و ناله و زورا تمام شب بشور و اشتغال داشتند و چنان تصور میشود که در موضوع صلح غور و فکر نمایند

شون سرو وارد مقدونیا و (زیرانت) را بقیه در آورده، اردوی دیگر وی بجای مناسب پیشقدمی کرده وارد (برپاپ) شده کوشانند که با قشون یونان ملحق گردید، افواه است که قشون یونان [وینا کیمز] را منصرف آمدند

در بگرید سخت میشود که انتقال آینده (اسکو پستینه) پارلمان سرویا در اسکوب خواهد شد دسته جہازات جنگی یونان علاوه بر قبضه لمنوس جزایر تهبوس و امبروس را متصرف آمدند بر حسب تذکرات (اطن) یکی از کشتیهای موشت یونان بر بندرگا سلاک داخل شده یک کروزیار عثمانی را غرق نموده است

خبر متصل از جنگ بزرگ بلغار و ترکی به اسلامبول رسید بخبره که ناظم پشا نموده این است که جلوگیری از قلب لشکر بلغاریان میشود و با کامیاب قشون ما بطرف (ویزا) پیشقدمی نمایند ولی این خبر در اسلامبول اشاعه نه یافته است

بر حسب تذکراتی که روزنامه (ریچ پوست) ویا نه رسیده درین میدان موجوده هر قدر از قشون بلغار ممکن بود حاضر در جنگ شده، ولی نشه جنگ تغییر یافته، چه ترکان از بابا ایسکی عقب نشسته بر میانه قشون بلغار در (سرای) حمله برده و زاید بر آنچه بلغاریان تصور میکردند بر آنها صدمه وارد گردیده در جنگلات آغاز جنگ نمودند، قشون انانولی با کمال تهور و بی صبری پیشقدمی آغازید و به کت آنان قشون امدادی هم رسید با اینهمه بلغاریان پیشقدمی آنان را جلوگیری کردند و قشون ترکی را مجبور به عقب نشستن ساختند، این عقب نشستن نزدیک فرار بود؛ در ابتدا ترکان با منتهای دلیری جنگیده عاقبت مرعوب و مخوف آمدند - وقایع نگار مذکور را عقیده این است که ترکان شکست یافته و بزودی (ستلجی) قبضه بلغاریان خواهد درآمد

بود، در صورتی که این مسأله عمدی اختیار شده باشد شک نیست که خیلی به درازا کشیده و ودائره فتوحات امارت بالکان قسمی وسع حاصل کرده که بسوالت نمیتوان آمارا وی خودشان نشاید

جزی که در این موقع تشویش آور است همانا تذکراتی است که منسب خواهی باجالی در صلح و دخالت دول بامور جنگ اشاعه یافته، اگر این تذکرات تصدیق شود ناچار باید گفت که باجالی مایوس از کامیابی آمده خود شده تن بصلح میدهد تا آن میزان که خیالات اروپائیان ظاهر گردیده اند؛ سائل بحکومت عثمانی در اروپا نمی باشند، فقط خوفشان این است که در تبدیلی کامل نقشه بالکان مبادا مناقشه جنگی بین حریفان پیدا شود یا ایند آسریا و روس به تهدید بلنیک یکی دیگری می کوشد و با جہازات قشونی هر یک مر دیگری را می نرساند ولی کان نمیرود در اجتماع اروپائیان یکدیگر بردازند، بی در صورتیکه آلمان مستعد حمله بر انگلیس و فرانس باشد بلاشبه جنگ عمومی دست تواند داد ولی تا کنون حرکات آلمان تصمیم چنین امری را نمی رسد - از طرف دیگر هیجان انقلابی که در انگلستان بیدار گردیده ظاهر میدارد که انگلیس مخوف از حمله آلمان شده است اگر چنانچه تصور میرود کابینه کنونی دولت انگلیس تغییر باید یقینا مسأله سیاسی انگلستان هم مصلحتاً از روس بطرف آلمان منصف خواهد گردید ولی فعلاً نمی توان به هیچ یک از این پیش آمدها حکم قطعی نمود

چیزی که مسلم است همانا تأییدات سری دول بزرگ است با امارت بالکان چه اگر تأییدات سری دول نبود اولاً امارت بالکان مستعد چنین جنگی نمی شدند و بر فرضیم که می شدند خارج از امکان بود که با محاسنت دول و میانجیگری آنان برای عدم جنگ جرات بچنین مبادرت نمایند و عقیده ما این است که امارت بالکان به فقط تأیید مالی از دول بزرگ یافته بلکه تأییدات افسری و کت مالی و آلات جنگی از دول یافته اند علاوه بر کت اخلاقی که از عامه ملت مبعیه بانان بزودی رسیده و میرسد

بلغاریان با جلادت تمام از سر نیزه تفنگ بسیاری از استحکامات آنان را گرفتند ، دلیری سپاهیان یاده بلغار بی مثل و عدیل بود ، تمام قشون جنگی را به یکسو نهاده برخسبم حمله کردند ، سپاهیان بعضی در جوش و خروش بودند که افسران نتوانستند آنها را از حمله با سر نیزه تفنگ به ترکان بازدارند يك در زبان قشون بلغار که برای تائید اردو بودند بحکم سر هانگان خود شان يك دفعه حمله به ترکان آورده و بحکم افسران بزرگ اعتنا نمودند . دو شبه بلغاریان را عقب نشانده بودند ، ولی یوم سه شبه در بنا حصار و بولی فاتح و مقصی انرا آمدند هنوز حمله را نموده بودند که قشونی که ادریان را محاصره نموده بود بسرعت بانها پوست - تا شهر با سر نیزه تفنگ بفریق ایلاتی جنگ جاری بود عاقبت قاب لشکر ترکان از پای در آمد و تا عصر قشون ترکی دو ( شورلو ) عقب نشستند ، بلغاریان با متهای زور و جوش پیشقدمی نموده تعقیب کرده قشون دشمن را محاصره کردند

صبح ۳۱ اکتوبر بلغاریان بر مدينه قشون ترکی سخت حمله کرده بس از شکست بطرف ( شورلو ) عقب نشستند ، بلغاریان آنها را تائب نموده کوشش داشتند که از رفتن به ( سنج ) مانع آیند ، نضائی ترکان در این جنگ خیلی بوده راه فرار نه تنها از اسباب و آلات بر بوده بلکه از نفس عیسویان مقتول هم مملو بود

مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که پس از اشاعه اخبارات متواتره کامیابی ترکان در جنگ چهار روز و سه شب ، چون هیچگونه اخباری نرسیده بود اهالی مشکوک بودند که تلگراف ناظم پاشا بدین مضمون رسیده ، نه فقط ترکان بجای خود مقیم اند بلکه تعاقب مینمایند بلغاریان را و ( بنا حصار ) را مجدداً تصرف نمودند ، قشون تحت امر محمود مختار پاشا بلغاریانرا سخت شکست داده توب و قورخانه زیادی را غنیمت گرفتند ، تمام قشون را حکم به پیشقدمی و حمله شده ، آهسته آهسته دشمنان دور میشوند ، سختی جنگ از رسیدن مجروحین زیاد معلوم است پنج هزار مجروح تا کنون رسیده و هفت هزار دیگر هم عنقریب میرسند

بر حسب تلگراف صوفیا بلغاریان ( دیلوتیکا )

آنچه خبر ازین جنگ بزرگ رسیده تمام از سرویا بوده ولی معلوم میشود ترکان بدو بره پسره اردوی بلغار حمله کرده و پسره قشون ترکی که کم قوت بوده بلغاریان بحین هجوم و حمله خود قرار داده در هم شکسته ازین رو تشویش در کابه اردوی ترکی پیش آمد

مخبر روتر بتاريخ ۳۰ اکتوبر بذریه تلگراف بی سم خبر میدهد که اینک سه روز متوالیا جنگ و تخمیناً چهار صد هزار قشون از طرفین مشغول جدالد

در ویا نه بطریق غیر موثق افواه اوفتاده که ناظم پاشا کادان قشون ترکی مقتول گردیده است بلغاریان نگرانی خودشان را بوقایع ننگران جرائد زیاد نموده ، در نواح ایننگاه مصطفی پاشا جایگاهی برای آنان تعیین شده که ۸ میل دور از بست و تلگراف خانه است و سرویا پس از يك هفته که اخبارات را بمیل خود اصلاح می نماید اجازه اشاعه آن را میدهد

در بر حسب تلگراف ( اطن ) در اسلامبول تصدیق شده است غرق يك جهاز کروزار یونانی که جهاز موشک عثمانی در سلاویک نموده و از آن خبر ظاهر می شود که تمام عمه جات جهاز نجات یافته اند

اهالی اسلامبول میگویند اقدام یونان در ساحل سلاویک خیلی دلیرانه بوده است ، ترکان با سرنگ دریا آبنای سلاویک را محفوظ داشته و قلعه را از نو استحکام میدهند

یونانیان جزیره ( ساما توم ) را تصرف شده اند

فاصله اردوی بلغار تا اسلامبول ۲۵ میل گفته می شود - بلغاریان میگویند که صلح باید دو اسلامبول بشود بدو مداخلت دول سازه و سپس زاید بر ضرورت اسلامبول را در قبضه خود نگاه نخواهند داشت

وقایع ننگار روزنامه ( ریج پوست ) ویا نه که موقع خوب از سایر وقایع ننگران بیشتر برای جلب اخبارات دارد چنین مینویسد ، ۳۱ علی الصبح که جنگ خانه پذیرفت وقتی بود که ترکان مقیم ( بنا حصار ) پشت حمله و توب خانه هم تائید آنان را می نمود ولی

را قبضه نموده وارد وی غربی شان ( استروم نژدا )  
 را متصرف آمد  
 بر حسب تلگراف اسلامبول بوم جمعه فتونی که  
 طرف میدان جنگ ار ( پیر ) مبرقه اظهار  
 سرت و شادمانی می شد . با اینکه فعلاً شهر  
 اسلامبول امن است  
 شورای دول از بابالی استنصار نموده اند  
 برای بقای امنیت شهر اسلامبول چه انتظام شده است  
 ده هزار نفر فراریان ( قرق کلیسا ) در مساجد  
 نگاهداری شده نزد آنها نه خوراک است نه لباس  
 سنیر انگلیس مقیم صوفیا تلگراف می نماید که  
 ضرورت فرستادن هیئت صلیب احمر انگلیس خیلی  
 پیش آمده چه بحر و حین ترکی در ( فیلیپولی ) بدون دوا  
 و غذا قادر . هیئت هلال احمر در سفارت ترکی  
 مقیم لندن در حالتیکه رات آر بل امیر علی و سفیر  
 عثمانی سر جارج ولدی اسکوت و بسیاری از اعیان  
 حاضر بودند رهسپار گردیدند  
 دول اروپا تا کنون متحد نگردیده اند بر اینکه  
 مداخلت در امور جنگ حالا بشود یا بعد از  
 جنگ ستلجی ، شورای دول مقیم اسلامبول کانفرسی  
 نموده منباب جلوگیری از قتل عام خارجیان در  
 اسلامبول مشوره کرده اند  
 بر حسب تلگراف ویاه مراسله وزارت خارجه  
 فرانس در تحریک مداخلت دول بجنک بالکان رسیده  
 است  
 تلگراف برلن ظاهر میسازد که دول قبول  
 تحریک وزارت خارجه فرانس را در خصوص مداخلت  
 نموده اند ولی این خبر هم مشهور است که آستریا  
 به تنهایی در این خصوص با سرویا مخبره می خواهد  
 نماید  
 کابینه انگلستان در خصوص مسئله بالکان انعقاد  
 مجلسی نموده غور و بحث کرده اند  
 بر حسب تلگراف روتر از سلانیک جهازات  
 کروزایر انگلیسی همبار و پروتکس در آنجا  
 رسیده اند  
 جهازات میرته و تیریه آستریا را حکم شده  
 است که در سلانیک بروند  
 مخبر روتر از صوفیا خبر یافته که بلغاریان

ادریانوپل را قبضه نموده اند ولی این خبر تا کنون  
 بموقع تصدیق نه پیوسته است  
 در کوهستان شرقی ( سری ) بلغاریان اردوی  
 تحت امر شکت پاشا را محصور نموده اند ، پس  
 از جنگ سخت قشون ترکی بطرف ( ستلجی )  
 عقب نشستند  
 تلگراف صوفیا می نماید که در حین فرار ترکی  
 از ( بابا اسکی ) دویست نفر از یونانیان را در ده  
 ( ریوالی ) قتل نمودند  
 تلگراف اسلامبول ظاهر میسازد که قره طاعیان  
 را در ( سقوطره ) توکان سخت شکست داده دو  
 هزار شان را مقتول ساخته و چهار توپ هم غنیمت  
 از ایشان گرفته اند  
 دسته جهازات جنگی یونان در انراف آبنای  
 ( داردنلز ) گردش می نمایند  
 قشون سلانیک که وارد ( ویرا ) شده و متفق  
 با قشون دیگر ترکی گردیده یونانیان را در ( ویدینا )  
 سخت شکست و ده توپ شان را غنیمت گرفتند  
 و ایضاً یونان که کاندان اردو بود فرار نمود ،  
 قشون ( مناسر ) که اردوی یونان را عقب نشاند  
 حالشان خیلی ازک است  
 بابالی از دول اروپا خواهش نموده است دخالت  
 توقیف موقتی جنگ را  
 مخبر روتر معلوم نموده است که خواهش بابالی  
 از دول این بوده که جنگ را موقفاً معطل داشته  
 گفتگوی صلح پیش آرند  
 اخبارات جنگ بطریق عموم در اسلامبول  
 اشاعه نمیشود ، ولی يك اعلان رسمی در اخبارات  
 اشاعه یافته که اهالی را در مقابل قسمت و تقدیر خود  
 نرم و ملایم سازد  
 در این اعلان نگاشته آمده که جنگ همیشه  
 در يك صورت قانچیت باقی نتواند ماند در هر موقع  
 فتح غیر ممکن است کسانیکه آغاز بجنک نمایند باید  
 باکال استقلال منتظر نتیجه باشند نه در فتح سرت  
 بجا ابراز دمتد و نه در شکست اظهار ایاس و ناامیدی  
 نمایند  
 قشون عثمانی در سقوطره و ( جینا ) فتحندی  
 حاصل نمود ولی در ( لولی برکس ) آنها مجبوراً به ستلجی  
 عقب نشسته تا بتوانند مقابل کامل با خصم  
 به نمایند

تلگراف پاریس ظاهر میدارد که تحریک وزیر خارجه فرانسه در وساطت و دخالت دول دو جنگ قبل از وقت باید اعلان داده شود که خودشان هیچ گونه تصرفی را نخواهند خواست - دولت انگلیس و روس این شرط را منظور نموده ولی آستریا تاکنون جواب نداده است، سفیر فرانسه مقیم وینا بوزارت خارجه آستریا اظهار داشته که دولت فرانسه را اراده این است که ملاحظه و مراعات مذاق اقتصادی آستریا را در لکات بناید ولی از جراید آستریا معلوم میشود که تحریک وزیر خارجه فرانسه را دولت آستریا منظور نخواهد نمود

روزنامهجات وینا بر تحریک وزیر خارجه فرانسه نقادی نموده مینویسند که دولت آستریا قبل از اینکه نتیجه جنگ معلوم شود خویشتر را پای بند بهیچ امری نتواند نمود، از این رو آستریا نمیتواند این تحریک را منظور کند که بر نیک نیتی وی شبهه و شک ظاهر میگردد، روزنامهجات فرانسه اظهار می نمایند عجب اینست که آستریا یک تحریک صاف و روشن را هم مخالف شده است

وکالت روتر از اروپا حل و عقد امارات بالکان معلوم نموده است که امارات مذکوره مداخلت دول و شروط صلح را پیش نماند منظور نخواهند نمود

بر حسب تلگراف صوفیا بمباردمان ( ادویا نویل ) بطریق کامیابی شروع شده است در ( اذن ) انکار می شود که در مقام ( ویدیا ) قشون یونان شکست خورده و ولعهد فرار نموده است، بلکه در ( وینیزا ) قشوی کامیابانه نموده اند

جنرال قدری یاشا که سبب شکست ترکان در ( کوما نوو ) شناخته آمده مغلولاً به اسلامبولش آوردند و طایای خارجه اسلامبول را خوف قتل عام دامنگر گردیده است

بر حسب خواهش سزاریه دول باجالی اجازه داده است که هر در لیتیک جهاز جنگی در آبنای داردنلز وارد نماید

ششم نومبر دسته سوم جهازات انگلیس وارد مائنا خواهد گردید

دو جهازات جنگی زره پوش آسریا را حکم شده که به ( لیوانت ) و هسبار آیند

بر حسب تلگرافیکه به جنرال قونسل مقیم بمبئی از طریق طهران رسیده ناظم پاشا کاندان اردوی عثمانی خبر داده که در جنگ ( بنار حصار ) بلغاریان را سخت نقصان رسیده - قور خانه و تفنگ و توپ زیادی غنیمت ما گردید و جنگ جاری است - بر حسب تلگرافیکه روتر از پاریس میدهند باجالی از دول عظام خواهش نموده است که موقتاً مداخلت در جنگ بالکان نموده معوق گذارند - فرانسه جواب داده است که اینگونه مداخلت غیر میسور است چه مخالف با قوانین بین المللی و علناً سازش دول را با عبارات ثابت می باید - ولی دولت فرانسه با دول ساثره مخبره نموده که در خصوص وساطت معاملات جنگی غور نمایند و بموجب تحریک وزارت خارجه فرانسه دو این خصوص با دول عظام مخبره میشود و بمناسبت خواهش باجالی سریباً مداخلت در امور جنگ خواهد شد و تحریک وزیر خارجه فرانس این است که بر آن حصه که امارات بالکان فاتح آمده اند تبدیلات سیاسی و انتظامی قبول شود - استقلال سلطنت عثمانی در اسلامبول و نواح آن مسلم آید و کانگریسی از دول اروپا بشود که نمایندگان امارات بالکان هم در آنجا حضور داشته باشند

سفارت عثمانی در پاریس در یک روز دو مرتبه بملاقات وزیر خارجه فرانس رفت - وزارت خارجه فرانس علناً باواظهار داشت که این گونه مداخلتی که باجالی خواسته غیر میسور است، چه چنین مداخلت سبب خواهد گردید که قشون را از فتوحات خود شان عایق آمده و عثمانی موقع خواهد یافت برای جمع قشون و ازدیاد قوای خود -

از جراید آستریا کدورت و رنجش دولت مشارالها منیاب وزارت فرانسه ظاهر ولی تاکنون قطع مراسلات و مخایرات ننده است و امید میرود که عاقبت اتفاق بین دول پیدا شود و آن وقتی خواهد بود که آستریا اقرار نماید که قبضه بر مملکت جدیدی را در بالکان خواهش ندارد

بلغاریان سخت کوشاند برای قبضه ادویا نویل و خود اقرار دارند که پس از آن جنگهای سخت قشون

را آرام و استراحت لازم آمده است و آنان را ایقان است که در عرصه یکمفنه به (ستلجی) خواهند رسید

بر حسب تلگراف صوفیا قشور زیادی از سرویا وارد و بطرف ادریا تویل رهسپار گردیده است جناب گفته میشود که بین (سرای و شورلو) جنگ جاری است

عمایان را ایقان است که پس از آن جنگ سخت بلغاریان زایدانوصف خسته شده و خودشان جدا منقول است حکامات (ستلجی) اند

بر حسب تلگرافیکه از باغالی بنامندگان خارجه می رسیده حالات موجوده سخت میباشد ولی بمحد پس و نوبیدی و علت این است که اطارات بالکان وقتی قشون خردشای را آماه و مستعد نموده بودند که باغالی بهیچوجه نذارکات جنگی نموده بود و هنوز تا دیر زمان دولت عثمانی میتواند جنگ را جاری بدارد و چنین نباید تصور نمود که برای قبضه چند مقام عثمانی جنگ را خاتمه خواهد داد در (اخن) رسماً تصدیق شده که قشون یونان که بعد از فتح (نلینگ گوئی) بطرف (مناستر) مبرفت در (جنترا) قشون زیادی از ترکانشان جلو گیری نموده مجبور به تسلیم ساختند

یونان بر جزیره (قاره) قبضه نموده و هر یک از جزایر را که بتصرف می آرد حکومت هم از خود برای آن تعیین میباشد

دد محاصره (سقوزره) قره مانغیان را شکست رسیده. ایران و سیلاب پیشقدمی آنان را جلو گیری میباشد. در مقام دیگر (ترا بوش) را مجدداً ترکان قبضه نمودند

مبصرین جنگ شکست ترکی را پیشرو باسفه کی نفر و بی انتظامی در مور آذوقه قشون می بندارند

وکالت روتر بلوم نموده است که جنگ از این رو متوقف گردیده که بلغاریان پس از ۳ شبانه روز جنگ، دو روز قشون خویش راحت دادند و بحکم پورحتم آت راحت و بسرف (ستلجی) نهضت حراهند نمود

قشون عثمانی هم بی دربی به (ستلجی) میرسند قشون بلغار را در (شارلو) از ادریانوپول کک میرسد و جای آنها را قشون سرویا خواهد گرفت از کنار در برای مرمره جنرل (وستلجی) برای مدد جنرل (دیمی تریف) به (ستلجی) می آید بر حسب تلگراف صوفیا در جنگ دو روزه (سرای و شورلو) پس از جنگ سخت ترکان شکست یافته و بسرف (ستلجی) عقب نشستند، در این جنگ طرفین نقصان سخت یافته اند زاید بر نقصانات (تولی برگس)

بر حسب تلگراف باگربد قشون سرویا که بر مقدونیا کار ترکان را تمام کرده مامور به کک یونان و بلغار و قره طایغ شده اند

بر حسب تلگراف اسلامبول بشتاً سرما و بارندگی زیاد شروع و در کوه ها شدت برف باریده زنبور در فن و حرکات قشونی تعال روی داده است

یک کروواتر انگلیسی وارد اسلامبول گردید و کروواتر دیگر را هم حکم برفتن آنها داده شده است

دو کروواتر برای سوار نمودن بناهندگات ترکی روانه شده اند

دسته چهارمات جنگی آسینیا بطرف سمرنا رهسپار آمده و جهاز جنگی آلمان (هرتها) از مانتا بطرف (مرسینا) روانه گردید

معاملات سیاسی خیلی در هم و بوم است چه تحرکات دول از هر طرف به تبادل میباشد

همچو تصور می شود که جواب دولتین روس و انگلیس به باغالی همان بوده است که فرانسه داده کاندان قشون عثمانی ناظم پاشا اردوی مرکزی خویش را در (جیدن کوئی) مقرر نموده است حکم دو کران به عمایات حفظالصحه شده که نذارک علاج و استراحت بیست و یک هزار مجروحین را بنیاید چنانچه نظام بیمار خانها و سامان حفظالصحه مجروحین خیلی ناقص است

از جنگ های بزرگ یک هفته اخباراتیکه رسیده ضامر میدارند که انظام عثمانی ناقص بوده جوانان ترکان با مابای جوانمردی ایستاده و توب هم بسیار

سومین کروزایر آسیا را حکم شده که بجانب  
اسلامبول رهسپار آید

کروزایر فرانس و روس هم وارد اسلامبول  
گردیدند

وقایع نگار دلی میل از بیارست پایتخت  
رومانیا مینویسد که اینک از صوفیا بدیجا رسید  
بقیده من سه شنبه ادریانوبل بقبضه بلغاریان در آمد  
ازینرو این نکته را مسطور داشته اند که قبل از  
قبضه بر اسلامبول دول اروپا مداخله در امر جنگ  
نمایند

روزنامه طمس در ۷ نومبر اشاعه میدهد که  
بلغاریان ( ستلیج ) را متصرف آمدند ، چون از  
هیچ طرف تصدیق خبر قبضه بر ادریانوبل و ستلیج  
نرسیده این خبر را غیر مصدق و بی اعتبار باید  
دانست ، جنگ یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه بلغاریان  
را مانند جنگ زاپونیان در مکدث می نمایند ،  
قاب قشون ترکی دو ( جرکس کونی ) دو مقام  
متبر را برای فرار به ستلیج متصرف بودند  
تحت امر ناظم پاشا با منتهات بهادری جنگیدند ،  
برای شکستن قلب لشکر بلغار حمله خطرناکی بر  
( اورباچی ) نموده ، بواسطه حمله شدیدی که  
بلغاریان بر میمنه و میسره قشون ترکی کردند یک  
دفعه آنان را نیست و نابود ساخته و فراری شدند  
بر حسب تلگراف صوفیا مقبولین قشون بلغار  
در جنگ لولی برکاس و بنار حصار پانزده هزار  
بقلم آمده است ، مقام ( ویزا ) و ( ورو دستو )  
نیز بتصرف بلغارین در آمد

بر حسب تلگراف اسلامبول باعالی را ناظم پاشا  
اطلاع داده که اردوی مصمم گردیده که تا آخرین  
نقطه اقتدار خود پای استوار و ثبات در مقابل  
خصم بشارند ، ورد زبان افراد قشون است یا  
مرک یا استقلال یا تخت یا تخت ، ازینرو افسرانیکه  
در دارالسلطنه اند با کابینه وزرا ملاقات و بر  
عرضداشتن اعضا و برئیس الوزرا ، تقدیم کردند که  
جنگ را تا آخر جاری خواهند داشت ، از آن بعد  
دولت بی ورنس سعید با رئیس الوزرا ملاقی آمده  
اطمینان داده اند که انجمن اتحاد و ترقی در صورت  
ایقاع جنگ حکومت حاضره را با منتهای اثر و قوت  
خویش نماید خواهد نمود ، ازینرو حکومت حاضره  
اسلامبول سخت مشوش و پریشان است

( بقیه در صفحه پست و دو )

دارند و لباس عسکری هم زیاد ولی نه طعام  
موجود و نه ضروریات جنگ - موقع فرار قشون  
افسری نیست که بتواند بفراریات کاملاً بفهمد  
و جلو گیری نماید

بطریق رسمی در صوفیه ظاهر شده که نقصانات  
ترکی در جنگ ششم نسبت به جنگ ( لولی برگاس )  
دو گونه بوده است - بلغاریان ترکان را بطرف  
( ستلیج ) عقب می نشانند

در صوفیا چنین ظاهر شده که فوری حمله خواهد  
شد و دول متحده بالکان قشون خود را با فتح مندی  
پیش می برند و بر تصرف ( سالونیکا ) ساعتی چند  
پیش نموده

بر حسب تلگراف روز بعد از جنگ ( کوما  
نو ) ۳۰ بتالین قشون ترکی در کوهستان های  
( کوسبرولو و براباب ) بناه گرفته قشون سرویا  
نتوانستند با توجانه بر آنها غالب آیند ولی قشون  
پساده در آنوقت کار نمایان نمود و در جلو گاوله  
نوب ترکان پیش آمده با سر نیزه نشت مقامات خصم  
را گرفتند - قشون سرویا ( کرو شیوه ) را قبضه  
نموده و افواه است که ( مانستر ) را نیز متصرف  
آمده اند

قشون قره طاغ ( ویا ککو ) را متصرف  
شدند

یونانیان نزدیک به قشون سرویا دو سلاطیک  
رسیده اند

بر حسب تلگراف ( اذن ) قشون عثمانی در  
سلاطیک پانزده هزار و یکصد و پنجاه هزار ساکنین  
آن شهر است

حالت قشون ترکی در سلاطیک خیلی خراب است  
غالبشان لباس نیست و اسلحه خودشان را در عوض  
نان می فروشند ، بسیاری از سپاهیان را بواسطه  
تعدد از حکم هدف گاوله نموده اند

بلغاریان مقیم مقدونیا عموماً بطرف ( بنار حصار )  
رهسپار می آیند

دسته جهازات جنگی یونان ( نونی روس ) را  
که قرب آبنای داوردلنز است بتصرف آوردند

رئیس پارلمان صوفیه در ضمن بیان خود اظهار  
داشت که بلغاریان را هوس گرفتن اسلامبول نیست



( بجناب سر ادورد گری )

( يك مدیه باقدامه . )

سوی لندن گذر ای پاك نسیم سحری  
 سخنی از من برگو به سر ادورد گری  
 کای خردمند وزیری که نه برورده جهان  
 چون تو دستور خردمند و وزیر هندی  
 نشه ( بطر ) بر فکر تو نقشی بر آب  
 زای ( نژمارك ) بر رای تو رانی سپری  
 ز ( بولون ) جیش ( ناپلیون ) نگذشتی گر بود  
 بر فراز ( مرمان ) نام تو در جلوه گری  
 داشتی پاریس اگر عهد تو در کف نشدی  
 سوی ( آلزاس ) ولورن لنگر آلمان نری  
 انگلیس از زووم بخواست در آمریکا مدد  
 بسته میشد به واشنگتن ره برخاشخری  
 با کانداز ( جیف ) گر فر تو بود همراه  
 به ( بویر ) بسته شدی سخت ره حمله وری  
 و ربه ( منچوری ) پلتیک تو بد ره بر روس  
 تند از ژاپن جیش ( کروپاتکین ) گری  
 بود اگر لکر تو با عائله ( مانچو ) یار  
 انقلابیوت بر شاه نکشند جری  
 و ریدی رای تو دایر بحیات ابراف  
 این همه ناله ای ماند بدون آتری  
 مثال است آنکه چو بر مرد شود تیره جهان  
 آن کند آتش به بکار آید از کارگری  
 تو بدین دانی افسوس که چون بخردان  
 کردی اکار که افسوس جز از وی نبری  
 بر شردی در صد ساله فرو بسته هند  
 بر رخ روس و نرسیدی از در بدری  
 بجه گرگ در آوش پره دی و بست  
 این نما شاه جز از بیخودی و بخبری  
 بیخودانه جنسای زبردست حریف  
 در نهادی سر تسلیم زهی خیره سری  
 آنگران عهد که باروس بیق زین پیش  
 غین ها بود ، ندیدی بو زکوته نظری  
 تو خورد از بیت و ایران وز افغانستان  
 ساختی پیش ره خصم بنای سه دی  
 از ( موصل ) بکشودی ره تا ( زابل )  
 وز ره ( زیت ) تسلیم شدی تابه ( هری )  
 زین سپس بهر نگهداری این هر سه طریق  
 نسیم ملیسا تشن باید بگری و بوی

پیش از فائدت هند اگر گردد صرف  
 طاقیت فائدت نیست بجز خون جگری  
 انگلیس آن ضرری را که ازین بیان بود  
 تو ندانستی و داد بدوی و حضری  
 نه همین ز بر بی روس شود ایران بست  
 بلکه افغانی و پراش شود و کاشتری  
 و رهمی گوئی روس از سر بیان نرود  
 رو بناریخ نگر تا که عجائب نگری  
 در بر نفس سیاسی نکند بیان کار  
 این نه من گویم کاین هست ز طبع بشری  
 خاصه چون روس که اوشبته باشد بر هند  
 همچو شاهین که بود شینته بر کیک دری  
 و رنه روس از یک نوحه چرا در ایران  
 راند قزاق و نهاد افسر بیداد گری  
 در خراسان که مهین ره روهنداست چرا  
 کرد این مایه قشون بی سببی راهبری  
 فتنه از چه پیا کرد و چرا آخر کار  
 کرد نستوده چنان کار بدان مشتمری  
 سپه روس ز تبریز کنون تا سرخس  
 پیش از بیست هزارند چو نیکو شمیری  
 هله کز مشرق ما امن بود تا بشال  
 سپه روس چرا ماده بدین بی شمیری  
 گرچه خود بی شمیری نیست که این جیش گزین  
 سفری آمدن خواهند بصد ناموری  
 سفر ایشان هنداست و نمنا شان هند  
 هند خواهند بلی نرم تنان خزری  
 ویژه گریای بینشاری تا از خط روس  
 خط آهن بسوی هند کند رهسپری  
 بعد و خط آهن ره را نزدیک کند  
 تا تو دیگر نروی راه بدین برخطری  
 سد بس معتبری ایران بد در ره هند  
 وه که بر داشته شد سد بدین معتبری  
 بادفرین بلجاجت که بلجاجت برداشت  
 برده از کار و فرو بست رخ بر هندی  
 بلجاج و بفرض کردی کاری که بدو  
 طعنه راند حرب دشمنی و ترک تزی  
 حیف از آن خاطر ودانای تو ورای وزین  
 که در این مسئله زدیده خود را بگری  
 زهی آن خاطر دانای وزین تو زهی  
 فر آن فکر توانای متین تو فری

نکارش يك از وطنخواهان صمیمی

این هم محصلینان

( وای بر ما - وای بر آنها - وای بر شما - )  
 یاس انگیز ترین بد بختیهای ایران همانا تشریح  
 خیالات درونی محصلین ایرانی خارج است ، بدون  
 چون و چرا هر خواننده را از مشاهده این ادما  
 که بطور و یعنی چه بزبان خواهد آمد

به - بطور - این امید واحد کاذب - این  
 يك راه نجات هم - دروغ - سبحان الله - گفتیم  
 خرابکاری بدو آنرا فرزندان معمو خواهند داشت ،  
 گفتیم نسل فردا خطا کارهای نسل امروز را شسته ،  
 و قدم عبور باستانه عالی تاریخ نخواهد نهاد جز  
 آنکه گناه بدوران را خریده و بطور افتخار خود  
 روسیاهی آنان را محو نموده باشد - بخود گفتیم  
 و شادیا نمودیم که عنقریب دسته بنیان میسرند و  
 جام لرزان آتیه را از دست مریض و ناتوان  
 مامیگیرند - طیبیان درد اقراض بیدار میگردند و  
 ما مریضان شخصی را از پرستاری مریض انجمن  
 میرهاند - گفتیم يك آنها زشت ما را میوشاند  
 و نام آنها نك ما را میخورد - زندگی بر افتخار آنها  
 خار سیاه ملذمت را از لحد ما - کننده و بجای  
 شاخه مقنرت تاریخ را خواهد کاشت - چه شد ؟  
 حس معصوم آنان را هم مناسطه افعال سنگین  
 ماتکین نمود . ذوق ترقی و تالای آنان را هم دانات  
 و فضاحت کاری مادر جاده انحراف انداخت - عشق  
 سیم و زر محبت کشور را غالب آمد ، بردار و ورمال  
 بدوران آنان را هم - سر مشق حیلت و زندگی  
 شد - وای بر ما - وای بر ما -

کلیه محصلینیکه به اروپا می آیند دو نوعند -  
 با از خانواده های غنی و دولتند یا از خانواده های  
 بی سرمایه و گم نام - در حین ورود با اروپا هر دو  
 دسته را ایامی معدود قصد مقدس تحصیل و بیت  
 بی ربای تعلیم و تزکیه نفس از هر وسوسه و هرزه  
 خیالی دور و منزه میدارد ، ولی کم کم تنفس هوای  
 آزاد گردشگاه های عمومی و جولان در فضایی  
 مطر مجالس رقص و مناظرات محرمانه خویش در  
 آینه های قدی با لباسهای تمام سیاه و ارسی های  
 برق کار و بجای می رسند که البته البته ایرانبند

بر ایشان ننگی میشود - و تصور زندگی در گرد و  
 خاک ایران که کشور نیاکان و مقبره بزرگان شایسته  
 است غم ملال و کدورت در چهره گانگون شده  
 شان ظاهر میسازد . فکر هسر و همزانو شدن با  
 ایرانی کثیف لرزش تحقیر و تنفر در اعصابشان  
 تولید مییابد ، ایرایت چنان بر ایشان نك و عار  
 میشود که عکس بدوران را از دیوار اوداق کنده  
 و در جبهه مخفی مینمایند ، چرا ایرانی شدیم صحبت  
 یومیه شان است ، و زبان ایرانی هم زبان شد که  
 بجای کلمه شیرین مرسی عبارت غلیظ مرحمت شما  
 را زیادرا باید استعمال نمود ، شکایت و گله اندی  
 دائمی شان ،

چون اغلب از ادبیات ایرانی بی بهره و نصیبند  
 ایران را از ادبیات بی بهره میدانند و مثل آن کوریکه  
 چون از دیده بی بهره بود منکر وجود خورشید  
 میشد . با يك آهنگ تملطف و ترحم وقت آمیزی  
 میگویند ( لا ملاتین ایرانی کو - دومی ایران  
 کو ) کو - کو - کو -

گوش شنوا ندارند که بشنوند جواب ایران را  
 که میگوید مگر نمی بینید نظامها ، خیابانها ، فنان  
 ها ، حافظها ، سعیدی ها ، قائم مقامها ،  
 هندوز گویندگفت هستند اندر عجم - که  
 قوه ناطقه مدد از ایشان برد - گویان و نایب  
 فرض کنیم که ادبیات نداریم ، زبان نداریم ،  
 کتاب نداریم ، مگر نه تکلیف شما است که ادبیات  
 بسازید و زبان ایجاد کنید ، وای بر شما

کم کم کلات سوسیالیست و انارشیت و غیره  
 در میان با هوشهایشان ایجاد بعضی خیالات تازه  
 مینمایند و يك چند معلومات سطحی بی بنیان بدست  
 آورده و با چند سفر و کبرای جعلی متون کلات  
 خوش خط و خال غیر ممکن الاجرا گشته و بهانه  
 سعادت محال کل نوع بشر پای بی همتی را جسورانه  
 از میدان سعادت قومی و وطنی خویش بیرون می  
 کنند ، خلاصه کار بالاخره بجائی میرسد که دسته  
 اول محصلین که متمولین و دولتنداند با کمال سر  
 بلندی در مجالس رسمی بهمدست عهد و میثاق می  
 دهند که دیگر یا بایران خراب نگذارند ، و دسته  
 دوم که محصلین بی سرمایه هستند قصد خود و بیت

واحدشان کسب دیپلومی است که آثار یا نقاب قیافه  
خیانت کارانه شان رفته و بایران مراجعت نموده و بهر  
وسیله مشروع و نامشروع سرمایه گرد آورده و  
هر چه زود تر نفس استحلای را زده و ایران بر  
کرد و خاک حق ناشناس را بدروود ابدی گویند  
وای بر شاه وای بر شاه  
ملامت بر شاه منکر خدا منکر وطن  
منکر تکلیف میتوان شد - با فلان جوان ایران  
میتوان هم آواز شد و گفت

وضن و نام و تاریخ  
هم حرف است و اوهم  
اجر باداش و تو بیخ  
جه خواب است و دام  
مذهب و درس و قانون  
شیره است و اسب دون

ولی آیا منکر وجدان هم میتوان شد ؟ فریاد  
های درونی را با کدام قوه خفه میکنید ؟ استعانه  
مظلومینیکه با خون خود شما را بزرگ کرده اند  
چگونه میتوانید بشوید ؟ ضمانت انقراض پنجاه قرن  
صد ساله ایران را چگونه بر دوش میکشید ؟ وای  
بر شاه - ولی مقصد حقیقی چیست ؟ صدای غری  
و باغش حزین و دلخراش میگوشیم که تصریح حقیقی  
جرم عنو نا پذیر ابدی عصیان فروغین افتخار و ملیت  
یک کشور ، گناه عظیم محو کردن نام یک مملکت تاریخی از  
صحنه مملک عام بگردن تو می افتد ، ای دولت ایران  
به بی وجدانی باز داشتی بهترین نخبه فرزندان با  
دوق ایران خود یکتا شعله امید و آرزوی یک  
ملتی ، اسارت میکنی یک کرور نفس حساس را تو  
ضامنی و تو مسئول ، ای دولت ایران بجای این  
درستی و نمانش راستی و پندش را تاج افتخار و سر بلندی  
بخش دست تو سل بدامن خیانت کاران و جنایت کاران  
انداختی ، بجای آنکه فقیران دانا را جاه و مقام بختی  
و کبید داد کشوری و لشکری را به بی طمعان  
صادق دهی - و فریاد حکم حکم تربیت و علم است  
فرمان فرمان هر که بیند و داند و کند است را  
گوشزد دانایان محول القدر کنی ، سر بوزش بدرگاه  
خداوندان نبوت و اسیران طمع و خیالات مالبدی  
و زانو در مقابل بتبای درخشان سنت دل بزمین

زدی ، و دل آرزومند نمی دستان را خونین کردی  
وای بر تو  
شاگرد بارویا فرستادید کاش تهرستاده بودید ،  
نتیجه چه خواهد شد جز جری کردن سی نفر  
جوان از ایرانی ، در عوض تریب و تشویق  
و امید و نوید بیچارگان گرسنه کی میدهد ، و عادت  
تعلق گوئی و نعت و ثنا جوئی بیچاره ها ، ولی  
آنها بیچاره نیستند ، بیچاره شما هستید ، هم بیچاره  
هستید و هم مقصر وای بر شاه

چه رفت و چه ماند بخوانیم و بگوئیم  
کجا شد آن همه داد و فریادها ؟ کو آنها  
شیدون و افغانها ؟ غلغله خروس بازها چه شد ؟  
نغمه های قوج ماز رنگ تراست کجا رفت ؟ تمامی  
صفحه ایران مثل یک گود زور خانه شده بود  
که هر دو ایالت هر دو دسته هر دو نفری باهم سر  
شاخ شده بودند و هن و هن خسته کی و واطندگیتان  
عالی را مشغول و خبردار از ضعف و بی لیاقت ایرانی  
نموده بود

جهالت و خود خواهی مرشد شده بودند و  
چند نفر خان میان دار ، هر بیچاره خواست لنگ  
صلح و صنا بیندازد لنگش را با دندان خود  
خواهی پاره پاره کردند ، هری لوطی نا اهل دست  
را برایش کشیدند ، راستی چه میدان تاخت و تاز  
ننگین شده بود ایران ، یکی برای اینکه سینه اش  
پهن شود سنگ مشروطه بسینه میزد و دیگری برای  
اینکه مواجین را بریده بودند شاه برادری و وقت  
بزیر تابوت روان استبداد ، میطلباید اینجا یک گله  
بره دو یا را یکی یک دسته علف خشک و تر شیرین  
و تلخ بدهن داده بودند و مع بیع ما دموکراتیم ،  
ایجا یک دسته دیگر که بزرگی عمامه و کوچکی نام  
کم کم داشت دست درازیش را از کار کوتاه میکرد  
در مجلس روضه یا افشاری جمع شدند و مقصود  
و مسلک تقدس نهای خود تراشیدند و پروگرامشان  
این شد که ما دموکرات نیستیم و بر ضد هر آنچه  
که او هست و میگویید هستیم و فریاد را بزنده باد  
اعتدال و اعتدالی ، است و نابود باد دموکرات و  
دموکراتی بلند نمودند  
هر کس میگفت من دموکراتم یعنی اعتدالی

بیستم - و مرکز بیگنت اعتمادی یعنی من همه چیز هستم ولی دموکرات بیستم

برای اعتمادی هر عملی هر زشتی هر وسیله هر خیانتی مشروع میشد شرطه بر اینکه بر ضد دموکرات باشد

برای دموکرات هر مشروعی نامشروع میشد اگر مرکز صلاح نمیدیدند، دموکراتی که در همه جای عالم یعنی اثن تساوی افراد و فقدان ریاست است در ایران بت برست و حکم حکم رئیس است شد!

اینطرف میشدی میکشند، آنطرف میشدی قانلت میکشند - با هر دو سلام و علیک داشتی کمتر دو برجت میخوانند. از هر دو طرف کنار میکشیدی یا بیطرفت میگفتند که در ایران یعنی بی عرشه گوی و احق است، یا داخل این حزب ثالث می نمودند که در حقیقت ظنیلی و کفشی بردار دو دسته اصلی بودند و چون روی کلاهشان اتفاق نوشته شده بود نفاق و دوپهمزدن کارشان بود و چون در دهن که ترقی داشتند در قلب مانع هر ترقی و تعالی بودند!

ولی چه بود یکدفعه آب ها از اسباب افتاد، خطور؛ غفلتاً در ملاقات های نصف شبانه و خیانت کاریهای وسط روزی بسته شد، چگونه؟ دقتاً و جز خواننده های چاپ پارلمان و بهادریها که نسخه اش از چاپ خانه بازار یا قابوق و بالای خیابان علامه الدوله بیرون میامد مهر سکوت باب نهادند؛ خطور؟ بواسطی امر معروف ما و نهی از منکر های پلنگی را بوسیدند و بالای طاقچه گذاشتند تا دیگر کی بار در خره های بانی رنگ کنی بر داشته شود و رنده کنند شده وکیل تراشی بکار افتد (بابا کو مسلمان) ها و فریاد های (دین از دست رفت) ولی از ترس کساد بازار با عجله هرچه نامتر و نرخ هر چه ارزان تر بفروش رساندند. مگر چه شده چه خبر شده - بازار حراج خیانت و نامردانگی باز است و بساط (وعده بده خنه میشود) بول بده دست از آدمیت و ایرانیت بر میدارم (گشاده چشم های بعبا شان که تحمل نوبه راستی و درستی ندارد مثل چشم پیچوج که در مقابل

خیابان خورشید بسته میگردد بسته شده و فریاد ایران میروشم یا روی حق رعیت بی نوا و ایتم مظهر میگذاریم بلند شده و مثل اینکه قیض نلای ده سانه به پشت دروازه ایران رسیده باشد هر کس هر چه دارد (ولی ایرانی بجز خیانت چه دارد) بدون جنبه و ترازو در عوض ماکول میفروشد، حالا دیگر سکوت مطلق فضای ایران را فرا گرفته نعره های آدم کش و شیون های جنک های برادر با برادر خاموش شده، گاه گاهی از این وشه و از آن گوشه سری از زیر درک بیرون میاید و ده باره داخل میگردد

گوئی تمامی ایران پس از این چند سال جنک همت اشکر نفس بریده و حرق ریزان در گوشه افتاده

جز صدای آه حزین بیخاران شده ها و نوحه گری قافله های سام زده نه صدای حیاتی شنیده میشود نه نغمه تسلیم انگیزی، نه از آنچه بود و گذشت انوری مانده و نه از آنچه باید برسد خبری پیدا - نه از ماضی خاکسپاری بجای مانده و نه از آینده شفیق نمودار

همه جا پاس - همه جا گرسنه گوی - همه جا اشک عزای و ماتم - همه جا لرزه اندراب و ترس، وندامت، ایران قبری شده سرد و ایرانی نفس سرد تر همه حکایت ها سر لحاف ملا نصرالدین بود ایران رفت و دعوا ها تمام شد

حالا منتظر آتش تشیه آسمانی باشید و لرزان انقام زهرین تاریخ

( بیک اداره )

از رفسنجان

ورود امیر منجم برفسنجان هرگاه بناخبر بختاده بود اموال کلی رعیت فقیر به فارس نبرفت - عجمتاً بعد از اینچه زد و خورد که مردم ایران کردند و قاطبه بزرگان از شاهزادگان و خوانین و رؤسای عشائر و علماء و غیره تسی گرفته چند نتیجه عاید آنها شد - اول به باد دادن استقلال ایران و انقضاض مملکت کسری و کیوسرت - دوم بروز و ظهور استبداد باعلی دوجه کانه زمان آل مظفر دوره خود را تجدید کرده

سلاطین فارس و کرمان و سایر شهر های ایران دوزد و خورد میباشد - متها آن اوقات هر کدام بقدر مقدور قشونی دارا بودند این ایام بعضی مغلوب و منکوب دیگری میباشد

پادشاهان فارس که رؤسای ایلات بهارلو و عرب باشند این اوقات اردوئی از سارقین که تعداد آن را هزار و پانصد تا هشتصد باختلافات روایات میگویند بطرف رفسنجان سوق داده اول قریب هزار و پانصد شتر بلکه تمام شتر و گوسفند اشراف رفسنجان را غارت کرده بردند - فرقه دیگری جوئی دیدند مالی بجهت رعیت باقی نمانده بطرف بردسیر رفته دوازده فرسخی شهر تمام شتر و گوسفند و گاو آنها را که از هشت هزار زیاد تر بود بردند - علی الطلیعه بقلعه مشیر رفته خانه بهادر الملک بهادر را باروها و باروها کردند - فرقه دیگر بطرف خراسان رفته سوارهای بختیاری معدودی بر يك فرقه آنها بر خورده چون تفنگچی رفسنجانی دهنه مارا نگرفته بودند نتوانستند مالدارا برگردانند مگر آنچه رم خورده یا وا مانده باقی مانده باقی اموال را سارقین دو قسمت کرده از دوراء بردند چون وزرای دولت این عرایض را انفساه می بندارند با قوه انتظام فارس را ندارند لهذا از پادشان فارس و امرای بهارلو و عرب و لشی با نهایت عجز در خواست می نمایند که جنیدی اهمیت کرمان را مهات داده مجدد بقدر مقدور تحصیل مالی نمایند که هنگام غارت دست خالی بر نگردند

واعجبا مصادر امور از نظم مملکت و تنبیه و مجازات سارقین فارس عجز دارند لاکن جوقه جوقه از مرکز بجهت ازدیاد دخل جدید سامور می نمایند بچهاره رعیت در صورت امنیت همه قسم تحمیلات حاضر است هنوز از تاراج ضابط و عمال و غیره فراغت نیافته گرفتار سارقین داخله شده - از آنها خلاص نشده گرفتار سارقین فارس می شود. طول اموال غارت شده قریب رفسنجان که با دور بین دیده می شد بکفرسخ امتداد داشت مرتباً شترهای بار بر و لوك ها را با نخبه اموال جلو انداخته. بعد از آن شتر های عروانه و بن کاه - سپس گاو ها و الاغها پس از آن کاه

های گوسفند - پس از سوار مسای نامی و نزدان صاحب القاب فارس پیاده های رجاله بشبانی و جولو داری در نهایت نظم و ترتیب بدون خوف در حرکت بودند و سالها اموال را دو قسمت کرده از دو راه بمنزل رسانیدند

عجالتاً موکب امیر منمخ در بهرام آباد نزول اجلال فرموده ضابط و حکام برای هر جا از امیر زادگان و غیره معین نموده که هم راهها را امنیت دهند هم مالیات را وصول نمایند - روسای بختیاری که فراری بودند بحضور آمده آنها را بقانون ایلاتی قول معاف داده از تقصیرات ما ماضی گذشته در این مدت مرا حاکمی وارد شده اعمال گذشته را معاف داشته حتی مالیات های چند ساله را خوردند و بردند صاف شدند - بهر حال عجالتاً امنیت این ایلات بسته بهمت امیر منمخ است و آنچه مقتضی سرشت پاک ایشان است معمول خواهند داشت تا چه کند همت والای شان

عجالتاً بعضی القاب مارا قدغن فرودند موقوف باشد زیرا که بالکل تمیز از میان رفته الحق حکمی بحق فرمودند چون اهالی ایران علاوه از بی علمی حماقت نیز دارند لهذا هر کس که صبح روی خود را در آئینه دید یا سیل خود را تا پید دعوی القاب بزرگ نموده تا کار بجائی رسیده که عموماً مسخره اجاب شده اند

تکرارنده موفقی از شاهرود می نویسد

الساعة که نیم ساعت از ۸ شب شوال میگذرد از تلگرافخانه شاهرود میآیم - باخراسان خواستیم صحبت کنیم از نیشابور خوب آمد که محمدفورش آبادی با عده در دو فرسخی نیشابور سر بیانی گری بر داشته امروز نود نفر سوار برای دستگیری مشار الیه از نیشابور اعزام شد سوارها رفته و شکست خوردند - اشرار هم سیم نیشابور و مشهد را قطع کرده اند ...

خوب است برای استحضار خاطر قارئین شرح حال این محمد را بنسکام - ابتدا محمد بواسطه عدم ملاحظات اولیای امور نیشابور باقی شده و در يك سنگری که در دامنه کوه نیشابور است متحصن و با بعضی از متذنبین خراسان مخاومه کرده

و به تحریکات اشخاص مزبور عمیدالسلطان حکمران  
شاهرود را که از مشهد مراجعت میکرد با جمعی  
از کسانش لخت کرده مبلغ کثیری پول و چندین  
قیضه تفنگ و موزر بچنگ آورده کارش بالا گرفت  
مکرر میگفته است که من از جنرال قونسول روس  
مقیم خراسان مأمورم که بعضی کارها بکنم پس از  
این عده سواره بربری رفته یکی از کسانش  
را کشته خود او را فرارنده و از خاک بپشاور  
بیرونش کردند

محدرفه از کوه پایه های پنا بور و مشهد  
گذشته وارد (دکریا) بم فرسنگی مشهد میشود و کن  
الدوله که تا آروز ادا بخمال دستگیری محمد نبود  
وقتی که خبر آمدن محمد را می شنود به آقا خان  
قرا سوران میگردد دوتفر دزدخارج سهر آمده اند  
برو دستگیرشان کن - آقا خان باطمینان اینکه چهار نفر  
دزدند بیخمال مبرود محمد آنها را غنایه گیر آورده  
چند نفر را کشته چند نفر را مجروح میکند و خودش  
به پشت گرمی یک مبداء معلوم شباه وارد شهر شده  
بیرون جزه رجاه متحصنین مسجد گوهر شاد و در  
عداد خواهندگان محمد علی و دست نشانندگان نواب  
جنرال قونسول روس میشود

پس از بمباردمان حرم و مسجد ابن محمد نیز  
جزه سایر اشرار راه گشائی روسها فرار کرده  
یوسف مرآتی بطرفی و او بطرفی می رود پس از این  
قدمه از مشهد باز همان دستهای تحریک کن تحریک  
کرده و همان کما یکه واقعه اجتماع خراسان را بانی  
شده خود بریده و خود دوختند . بمحمد آلت  
و عدت و شوهرت داده او را دوباره بیساعتی  
گری بر کاشتند

این آدم چندانی اهمیت ندارد که افکار کسی  
را بخود متوجه سازد مقصود سهل انکاری اولیای  
امور و تحریکات بیانی و کافر آئینی روسهاست که  
شب و روز در صدد کار شکنی بر ضد امنیت  
داخله ایرانند مثل اینکه برای بهانه جوئی و تقنین  
کاری به ایلات شامسون انگشت رساییده و خراشند  
بدین بهانه اسلحه از دست آنها بر آورند .  
همین سبب شد که گریبان آنها سخت گیر آمده  
و چندین صد نفر از آنها در معرض حملات دلبراه  
شامسونها کشته شده و هزاران مجروح و قنداقهای

تفنگ و توب آنها بدست شامسون افتاد - حلام  
معلوم نیست چگونه از جنگ قهارانه این جمعیت  
جسور بیابانی خلاص شوند  
شنیدم که شامسونها زهای خود را بخاک غمائی  
کوجاییده و بادالشها و اکراد همدست شده و جنگ  
با روسها را جسورانه میان بسته اند  
نیرالدوله آدم خوبی است و ما او را بالنسبه بسیار حکام  
که در این مدت بخراسان آمده اند بهتر میدانیم ولی تفکرات  
او بطوری است که حرکات او را قسم دیگر جلوه  
میدهد . چنانکه در بین راه او که بهخواست برود  
بخراسان حسین زاده سر راه او را گرفته و عده  
سوار به همراه داشت [ این حسین زاده آدم خوبی  
و همین جنگ کاری های اولیای امور او را  
بتر بیای گری و داشته که هنوز هم باقی است ]  
بمحض رسیدن نیرالدوله به میسای حسین زاده  
آمده بدون عذر تسایم نیرالدوله شده نقدهای خود  
را هم تسایم کرده نوکرهایش را مرخص کرد -  
نیرالدوله وقتی که یقین کرد که سوار های حسین  
زاد رفته اند او را حبس کرده با خود به پشاور  
برده در آنجا خوری شد که مشارالیه خلاص  
شده و علی رغم خلف عهد نیرالدوله سوار دیگر  
گرد آورده و هنوز هم مشغول بیانات گردی  
است .

این یکی از کار های نیرالدوله که یک عده  
قادر بانی باو اطمینان یافته تسلیم او میشوند و او  
خوری میکند که تشکیل مانوی باغیبات رافراهم  
آورده و برای دولت اشکالات بار میاورد  
دیگر وقتی که وارد سبزوار شد روسها باو  
نوشتند که شجاع الدوله قوجانی و سردار معزز  
بمخوردی که صاحب ایل و اقتدارند نباید در تفاظ  
خود باشند باید آنها را معزول کنی  
نیرالدوله هم فرستاد عقب آنها آمدند پس از او  
واظهار عبودیت بدولت کرده و حاضر همه گونه  
خدمت گذاری شدند ، آقای نیرالدوله بسادت  
نجاه سال قبل رفتار کرده از شجاع الدوله چهار  
هزار تومان و از سردار معزز پنج هزار تومان  
و از مسعود خان حکمران درجز که جوان بسیار  
دانشمند است هزار تومان گرفت . آقایان شجاع الدوله

و سردار معزز بمقر حکومت خود برگشته و هووا تراکت کوکلان به تحریکات ( پنج هزار تومان داده ) آمده و در سر راه خراسان مشغول تاخت و تاراج شده بر زن و مال و لباس کسی ابقا نکرده و نمیکند ، و هنوز هم از ییبان ( امسک ) تا دم دروازه شاهرود را جاییده و عبور و مرور قوافل بکلی مسدود شده است

خلاصه مقصودم از تنقید نیرالدوله یا مسایه حرکات روسها نیست زیرا این چیزها دیگر پوشیده نیست که ما بخواهیم تجدید کرده و خوش مزگی کنیم ، ولی باید دانست که ملت پیماره و رعیت فلک زده ایران که ماشاءالله شعور درستی هم ندارد بجه فلاکت ها و سقامت ها دچار شده و باید از دست این پیش آمد ها جدا گانه صاحب بزرگی و تصادف نماید

کشن پیاور و تابوت و جامه نیلی کن

که روزگار طیب است و عاقبت بیچار

نقل از روز نامه چهره نما منظمه مصر

( عاقبت و نهایت اروپا )

در شماره ( ۲۲۹ ) روزنامه « لاورینه فرانسوی »

مورخه ۲۷ سپتمبر ۱۹۱۲ مقاله بسیار قابل توجهی در تحت عنوان [ نهایت اروپا ] از نظر ما گذشت که بی اندازه خواص طرا برای عاقبت وحشتناک يك اقليم و قاره که منبع ترقیات محیر العقول بشری ، و مرکز افکار و اختراعات خارق العاده معجز نیست متوش نمود آیا چگونه میشود قطعه زمینیکه طبیعتاً بواسطه کشتیات و صنایع خرد به تحت استیلا در آورده و عالم امکان را بمطایفه اقتدار بشریش مسخر ساخته یکمرتبه گرفتار بنجه بهاریت مواد طبیعی شود و رهیار دیار عدم گردد ؟ آیا میشود چنین امری ؟ و چنین روزی در پیش هست ؟

پروفور ( آلبرت نبل ) معلم علوم و اطلاعات طبقات و حرکت الارض عمر اروپا را تمام و زوالش را خیل نزدیک میندازد . و برای نبوت عقاید خود ادله و برامین چندی اقامه میکند که فهم و اطلاعات ماقصراست که در این موضوع بیانش رأی و عقیده نموده داد سخن ویرا بدهیم . فقط برای اینکه اهمیت این مسئله که مربوطیت کالی بانیه

دنیا دارد ترجمه متدرجه در جریده مذکور پرداخته عجز بشر را در مقابل قوای قاهره طبیعت با کمال سرشکسته کی تصدیق نموده . بگوئیم ( لاجول ولا قوة الا بالله العلی العظیم )

( ترجمه مقاله نهایت اروپا )

( اگر چه نزدیک است ولی یکذرا امریکائی نباید میباشد )  
پروفور ( آلبرت نبل ) که در شهر فیدلادیف ( امریکا ) تدوین علم طبقات و حرکت الارضا میباشد . میگوید اروپا تا شصت سال دیگر باقی نخواهد ماند . این عالم که بنور روزنامه ( تریونا ) هموطنانش بگانه وجود مطلع در قنون طبیعی عصر خودش میدانند مدعی است که اروپا بس از يك فوران و اشتعال بسیار سخت آتش فشان محو و نابود خواهد شد

شاید این ادعای او را کسی محل اعتماد و توجه قرار ندهد ، ولی برای اینکه بنظر جدیدیت گفتارشرا بنگرند و اطلاعات محبوس یا حرکت زمین را که از روی کمال دقت کشف کرده و اظهار میدارد درست بنگرند ما در اینجا حرف بحرف افکار او را ترجمه میکنیم و نهایت از وقوع این امر مهیب خود را فرین ابتلا و اضطراب میدانیم ( پروفور مذکور در قطعه اروپا چنین میگوید )

دو قرنست که قوای طبیعت تپه و نذارک این مصیبت بزرگ و بد بختی رامینماید ، تمام علائم بیشتره دلالت میکنند که نوزادترین تکونهای حالیه این واقعه دهشتناکرا بر سه امکان خواهد در آورد عن قریب است که دنیای قدیم در زیر آب ها محو و نابود خواهد شد . زیرا طبقات تحتانی قاره اروپا بواسطه سوراخها و منافذیکه حاصل شده يك محوطه بسیار وسیعی را که حالیه محلو است از مواد ناریه آتش فشان تشکیل داده . و این طبقات در تحت فشار و تضییق آتشیهای داخلی مربوط به يك سلسله فوران آن دفاعیه برکاتی پیوسته شده اند که يك مرتبه بر یکیدن و اشتعال خود این اقلیم قدیم که اروپا باشد محو و خراب خواهند ساخت .

باز پروفور آلبرت از جمله ادله غیر قابل تردید خود را برای حدوث این واقعه مهاجرین اروپائی را با امریکا دانسته میگوید . همچنان مهاجرت اروپائیها که روز روز در از دیار و اشتداد است از برای

يك عالم بن (حرکت الارض) و همان يك فرار سوق الطبیعه ایست که نسبت عمل تهدید شده به این مصیبت واقع گشته میباشد

اگر جناب کسی عمل این مهاجرت را مسائل اقتصادی بیان نماید بر فور جوابش را يك خنده مسخره آمیزی کافی دانسته سکوت اختیار میکند، اگر مهاجرین جهالت خود را از این خطر حتمی اظهار نمایند این خود دلیل است به نزدیک شدن ایام مصیبت و خرابی - همین طور است مثل امپلی که از بهار نولد و تناسل خود را در عالم ما مینمایند، ولی یکباره بدون اینکه خود ملتذت آمدن زمستان یا صدمت این فصل بشوند بواسطه يك محرك میثی فرار از این دیار مینمایند.

ایطالیایها و اهالی آسیای صغیر نخستین کسانی خواهند بود که دچار شعله آتش اروپا سوز این مصیبت میشوند، ولی تبدیلات کونی باین هم اکتفا نخواهد کرد، پس از واقعات حرکت زمین اروپا بحاری (گلاب آبریم) [ (۱) ] را بر خواهد گرداید و در صورتی که بحاری یارده که از قطب جاری میشود جریان خود را بسمت اروپا متوجه سازد نشان و علامت امتداد ممالک متحده شمالی میگردد، بن تیسیرات که ملی از جریان بحاری تحت البحری حاصل خواهد گردید، آنچه از اروپای بیچاره باقی نماند بواسطه برودت و سردی محو و نابود میسازد، از بقول و بیانات مسیو (البرت نیل) باید گفت دنیای قدیم اروپا بواسطه محصولات زیاد زراعت و صناعت و اختراعات که در این قرون اخیر حاصل نموده بس طیباً باید از میان برود، ولی خیالی نفوس است بر این اقلیم و قاره آباد دنیا و متمولین که تمام ثروت دنیا و مخزنین و متمولین و آثار نقیمه و صنایع بدیده و مهارت قویه بشما البصری کن فیکون گشته و رهسپار دیار عدم گردد و سر تا سر او را آب فرو گیرد که هر برنده هوای آن وقت از بالا حلقه غرق و نابود شده اروپا را باید بگوید (نو گوئی که از اصل چیزی نبود)

(۱) کلاف استریم بحرای مواد حاره اتلانیک است که از خلیج مکسیک امریکا تا رود شمال اروپا بحریان مینماید و حرارت اقلیم بحری اروپائی غربی را مدامت میکند - در سال ۱۵۱۳ (الامیدو) دریا

نورد معروف اسپانیولی موفق به کشف او گردید نقل از روزنامه آفتاب منبسطه شهران

( موازنه قوای بحریه دول )

( مظلّمه اروپا )

مجلس بدونان انگلستان چندی است در باب محافظت حاکمیت خودشان و سد قوای تنقیدی اتحاد مثلث مشغول مذاکرات است و نظر بر تقسیمات جدیدی که در قوای بحریه دولت بریناسی کبیر اتفاق افتاده و دولت مذکوره را مجبور ساخته که در بحاری و طرق مهمه مستعمرات خویش امتداد کافی بحری نگهدارد و بنا بر این از نتیجه انلاف دولت فرانسه دفاع اوقیانوس و دریای شمال برده دولت انگلیس واگذار شده و در مقابل آر هم دولت فرانسه محافظت دریای مدیترانه را در مقابل قوای اتحاد مثلث متقبل شده است موضوع مذاکرات پارلمان انگلیس این بوده که تقسیم قوای بحری دو دولت دوست و مؤانف اساس صحیح بر حالت حاضر نبوده و واگذاری محافظت مدیترانه به فرانسه و تعهد مدافعه دریاهای دیگر بانگلیس منتج حسن نتیجه نخواهد بود بلکه دربار لندن باید در استحکام قوای خویش در بحر متوسط کوشیده و اگر بتواند يك قوه جدیدی در دریای مذکور ایجاد نماید

عقاید عامه اولیای مصادره امور لندن بر این است که محکم امتداد بحری دولت انگلیس متوقف بر تزید قدامت جہازات جنگی در دریای مدیترانه بوده بشرطیکه دولت مذکوره سیر سنابن تجارتی نام دول و ملل را از جبل الطارق تا سواحل مصر و کانال سویس در تحت حمایت خویش قرار دهد که بازادی و بدون مانع مشغول تجارت و حل و نقل باشند

محافل سیاسی دربار پاریس هم منتظر بر این است که پس از انجام مذاکرات پارلمان انگلیس و تسویه مسئله قوای بحری دولت مذکوره ملل و قرار صحیح و محکم برای ایام نفوذ خویش و استحکام امتداد بحری در مدیترانه اتخاذ نماید تا آنکه بتواند همه وقت مقابل قوای اطریش و ایالات جہازات بحری کافی همه وقت حاضر نماید و نظر بدین نکات دقیقه برای تدقیق موازنه بحریه در حدیث



مقابله ائتلاف متنی انگلیس و فرانسه و اتحاد مثلث لازم است دو مسئله مهمه را محل توجه و دقت ساخت

اولی ، مقایسه حالت حاضره قوای بحری هیئت های مقابله

دومی ، مقایسه قوای بحری دو هیئت مقابله تا سال ۱۹۱۶

اگر مجموع استیباب جہازات جنگی و کشتی های زره پوش دولت فرانسه را با ظرفیت قوای مختلفه بحری دول اطریش و ایتالیا تحت مقیاس آریم معلوم خواهد شد که الساعه دولت فرانسه ۲۸ در صد تون فوق و برتری داشته و درواقع دولت فرانسه جہاز جنگی کتر از دوازده هزار تون ظرفیت و گنجایش نداشته در صورتیکه دو دولت متحده مذکوره کشتی هائی دارند که هشت هزار تا بجهزار تون استیباب دارد

تمام جہازات و زره پوش های دولت فرانسه از طبقه (بازی) یا (دانرون) بود باین معنی ازبازده الی هیجده هزار تون ظرفیت آت ها است گذشتہ از آنکه جہازات سبک سریع البر و کشتی مدافع موش شکن و تحت البحری که همه دارای چراغ و روشنائی برقی و لوازمات دفاعیه هستند این استعداد بحری از تجارب و نتایج محاربات دریائی ایام و ازمینه سابقه امروزه در درجه اول واقع و از ائلب قوای بحریه دول مختلفه عالم تقدم برتری دارد ولی نمیتوان باین استعداد امروزه مطمئن گشته راحت و آسوده نشست راز اقدامات طرف مقابل غفلت نمود، زیرا که دراین قرن حاضر که یک رقابت فوق العاده فیابین دول معظمه بادناً جاری است هر روزی در تزئید قوا و تکمیل استعداد و رفع نواقص تشبہات جدیدہ میشود ممکن است در آمدن مدتی دولت فرانسه در مقابل رقبا من حیث استعداد بحری درمادون دول متحده مانده و نتواند هیئت موفله را در برابر هیئت متحده نگهدارد

چنانچه پروگرامی را که درباب تزئید قوه دریائی دو دولت متحد اطریش و ایتالیا شعار خود ساخته هرگاه دولت فرانسه یا انگلیس تعاقب نماید حال امور ائتلاف متنی خیل وخیم و متزلزل بنظر

میاید و ما محض استحضار قارئین محترم خط حرکت دو رکن وکین اتحاد مثلث را دو تکمیل استعداد بحریه کایشان تا سال ۱۹۱۶ اتخاذ کرده اند ذیلآ می نگاریم

پروگرام دربار روم مستند بر ایجاد یکدسته جہازات جنگی مکمل و تمامی است از ۱۹۰۹ الی ۱۹۱۵ یعنی در شش سال دارای کشتی جنگی زرکی از طبقه ( دارد نوخت ) خواهد بود و کشتی های مذکور از بست و شش هزار الی بست و نه هزار تون گنجایش آب داشته و مالک یک سرعت ( ۲۵ نود ) با اسلحه و استعداد جنگی از توبوقورخانه درجه اول خواهد بود، اولین کشتی این قوه جدیدہ امسال و سه تا دیگر در ۱۹۱۳ و در آخری نیز تا ۱۹۱۶ حاضر و مرتب میشود اما پروگرام اطریش مرکب از دو دسته جہاز جنگی بوده دسته اولی در همین سال و دومی تا دو سال دیگر تجهیز می یابد

پس از آنکه که قوای بحری تازه این دودولت حاضر و مرتب گردد درسال ۱۹۱۶ دول اطریش و ایتالیا باستانی حالیه که دارند مالک جہازات جدیدہ خواهند بود که استیباب آنها تقریباً ( ۲۱۷۰۰۰ تون ) خواهد رسید

در مقابل این قوه آتیه بعد از چهار سال اگرچه دولت فرانسه مشغول ایجاد استعداد جدیدہ بحری است که بموجب پروگرامی که مرتب کرده و از روی آن حالیه هفت جہاز جنگی تهیه می بیند وبعدها هم بتدریج مشغول اكمال نواقص دریائی خواهد بود ومن حیث نسبت از هرجهت باز بدولت اطریش و ایتالیا در محافظت حاکمیت ائتلاف متنی و حراست مدیترانه مقدم میشود ولی یک رقیب بر زور و قوی بجهت که اس اساس اتحاد مثلث وارکان رقابت حاضره را تشکیل داده درمیانہ موجود است که بنہای قوای بحریه اش بمراتب از دولت فرانسه زیاد تر بوده و بنسبه برای تحصیل حاکمیت بحر متوسط کوشیده و میکوشد آنها دولت آلمان است پروگرام دولت آلمان که برای تکمیل و تزئید قوای بحریه خویش اتخاذ کرده تا سال ۱۹۱۶ اگر بدون موانع باجرائی آت موفق گردد دو برابر

قوة جنگی دریائی فرانسه و يك برابر و نیم قوة بحریة دولت انگلیس را دارا خواهد بود و در صورتی که سال آینده قوای بحریه انگلیس استعداد دویائی خواهد داشت در این صورت هرگاه ائتلاف متنی بر این صدد بوقفند که جہازات و زوہ پوشهای خودشان را اقلای مساوی با قوای اتحاد مثلث بسازند نه حاکمیت مدیترانه را خواهند داشت و نه مسار مهمه مستعمراتی راه . این است که پارلمان انگلستان بملاحظه لزوم تزید قوای بحریه خود و ملاحظه رقابت دربار بران و ترقیات او در تزید استعداد دریائی این ایام داخل مذاکرات شده و عدم کفایت قوه بحریه دولت ویتایی کبیر را بر احتیاجات آئیه مملکتی دانسته مشغول تنظیم پروگرام جدید است تا بر عده جہازات خودشان بقسمی بیفزایند که هم در مدیترانه بتوانند حاکمیت آئیه خویش را محفوظ دارند و هم در اقیانوس و در دریای شمال زیاد تر از قوه آلمان سفاین حربیه داشته باشند تا آنکه موازنه قوای طرفین ممکن الحصول گردد

نقل از روزنامه حکمت منطبه مصر

( وقایع نگار ( حکمت ) از تبریز )

( چنین می نگارد )

مدتی میگذرد از فیض خدمت بوخن بجهت درد جنم شدید که از دو ماه عارض شده محروم و از حوادث بی در بی وطن و جهالت و عناد عالم نمایان زر پرست که آلت کار شکنی و شهر آشوبی روسان شده اند دلخوش . میرزا حسن بقول حکمت ( بجهت نما ) با امام جمعه و قریب بده نفر آخوندان لاش خور از اجرای افسادات و فتنه ضد مجامعین و احرار ملت کوتاهی نکرده و نمیکنند ، صمدخان خونخوارایی که عداوت قلبی و کینه مذهبی با مسلمانان دارد از قتل و نفی و سلب و نهب ذره فروگذاری نکرده اگر چه شر او بتشریف حضرت سبهدار از سر آذربایجان رفع شد ولی دویست و چهل و سه نفر از مردمان با هوش و غیرت وجدان آذربایجان قربان کینه دیرینه آن دشمن خدا و رسول شدند ، اینها غیر از مجامعین غیور هستند که در جنگهای مختلف با آن ناجوانمرد جام شهادت نوشیده اند ، اسامی ۲۴۳ شهیدان تبریز که با سر روس و یا بدخلخواه خود

او بدرجه رفیقه شهادت رسیده اند اینک افق ارسال گردید قساوت و شقاوت آخری خود را مدار زدن دو نفر جوان غیور وطن پرست بیابان رساید ، آهائیکه در شقاوت و قساوت این زیاد و حجاج این بوسف شبه یا غرابتی در دل داشتند از دیدن سنگدلی و کینه ورزی این از همه چیز عاری از خطرات خاطرشان استعزاز نمودند .

حقیقاً بداید زیاد از دو کره تومان از محرم ارسال تا حال از تبریزیان هر اسم و رسم بکبسه این ظالم با بکارغدار و بستگان خون آشام اورفته است . چه گویم و چه نویسم . اکثر این بیبا اموال اشخاصی بود که ابداً نه دخالت با سر مشروطه خواهی داشتند و نه بصد او قیامی کرده بودند بلکه بتهمت حریت طلبی آنها را شبانه با مأمورین غملاظ و شداد حاضر کرده و در برابری میر غضببان با آلات اشکنجه ایستاده و خودش مست لا یقبل افتاده با این حالت او را بدشنام گرفته و مرعوب ساخته که در آن آنای یکی از هم پیاله ایشان توسط کرده تا آن بیچاره را مجبور بخیریدن خون خود بچند هزار تومان می نمودند و چند نفر را در حضور خود بتهمت حریت خفه کرده و لگد به بدن آنها میزدند است و با تهمه اغیار ناسزا می گفته است و همه این وطن سوزها از او سر نزد مگر نه پشت بندی و همراهی میرزا حسن و امام جمعه و اذتاب آنها از خداوند منتقم قهار مسائت و نیاز می کنیم که جزای دنیوی این بدنام کنندگان دین پاک اسلام را بزودی داده که مسلمین را تشیی حاصل شود ، اینها همه يك طرف شہادت و اظهار دشمنی و مساعدت کردن تبیه روس در آذربایجان در يك طرف که اتباع مسلم روس هم در عالم خودشان کتر از صمد خان و همکارانش ضرر و زیان بملت زدند ، اینها با اهالی شهر مثل اینکه ادعای خون پدر و پسر با این بیچارگان دارند رفتار می کردند . جزای تبریزیان این بود که در مقابل احرام و پاداش خدمت و رعایت و مہمان نوازی . در این روز های بد از این نمک شناسان مسلمانان و شیعه دیدند

با که از ترکان تبر امداز نیست

ضغه تبر آورام می کشد

چیزیکه با این همه صدمات تبریزیان وا تسلیمت



نقل اوروزنامه (نخست)

(روزنامه فکر)

این روزها يك نمره روزنامه ~~فکر~~ از تبریز سوقان آمده که در حقیقت خیلی تاریخت داشته و سزاوار است که نسخه های آن را جمع نموده و برای اعقاب و اخلاف ایرانیان یادگار نگهدارد تا رجال آینده ایران که آتش افروخته و مان فروشان این دوره منحوسه خوانند سوخت از حسابات دینه و اسلام خواهی کنونی عده از اهالی تبریز مطلع شده و منتشرا اسارت و رقیت آن زمانی خودشان را فهمیده و آباء و اجداد خودشان را با آنچه سزاوار است یاد بکنند

و ~~اگرچه~~ تمام محتویات این روزنامه غیر از ستایش روس و تعلق از جنرال قونسل و سارت روس و ~~تأیید~~ خوانی آن دزد خان وطن صمدخان مسمی بشجاع الدوله نیست ولی چند فقره از آنرا که صراحتاً کاشف از حسابات روس پرستانه بعضی از مسلمانانهای این شهر است بعرض قارئین گرام رسانیده و حواله بوجدان آنها مینمایم

در صفحه دوم نمره ۱۷ این روزنامه در ذیل رابورت شهری بدواز آیکه قضیه هیجان اهل شهر واجتماع جمیع حجج اسلام واعیان و اشراف و مجار و کسبه را در مسجد مصمم برای جلوگیری از ورود آقای سهدار اعظم پنی برای تفکیک آذربایجان از حکومت ایران و تسلیم این مملکت خراب دست مملک روسها بیارات مظالمه مینویسد و قدری از مفاسد دوره مشروطیت می شمارد - میگوید

بحمدالله تعالی از تفضل الهی و توجیه باطنی حضرت حجة عجل الله فرجه اعلی حضرت امیراطور دولت بهیه روس با اهالی رؤف و مهربان شده بدفع اشرار و احمقاء دین اسلام میردازد

ما نمیدانیم که نویسنده این ورق باده که اسما مسلمان است واقفاً روس است یا طبعی است، پرو کدام ضربقه و آئین و تابع کدام ملت و طایفه است و ~~نمیگویم~~ که این کلامه نتیجه افکار نوع اهالی شهر است زیرا که اهالی آذربایجان نوناً مسلمانهای صاف دل و خوش عقیده بوده العیاذ بالله خدا و مؤید روسها و حضرت حجة عجل الله فرجه را شریک عملی بقولای دوم امیراطور روس نمیدانند

بقیده ما این (فکر) جز فکر محدود فانی که از طرف روس ووظف بوده و بیرون وسیله محبت روسها رادر غروق و اعماق مردم عوام بر میکنند بست و ما با این نمره اشخاص هم هیچ گونه حرفی نداریم بلکه حرفی که داریم با همان حجج اسلام و اعیان و اشراف و تجار و کسبه است که پیش چشم آنها این نوع کلمات چاپ شده و منتشر میشود و هیچ نمیگویند سهل است که باکا بواسطه این اجتهادات و تشبیهات و توسلات غیر مشروعه بجنرال قونسل و سایر وزیر خارجه روس و دخالت دادن آنها را در امور داخل مملکت نباید قهری از این نمره اشخاص و تصدیق عملی از این مقوله حرفها اسلام بر انداز مملکت بر باد ده میباید

حالا از عموم آقایان تبریزشوال کرده واصاف میخواستیم که در یک شهر اسلامی که بر آفت و مهربانی امیراطور روس فخر و بهامست نموده و مداخلات ناملانها و تدبیرات اسلام شکنانه دولت خرس دبیست روس را تفضل الهی و توجیه حضرت حجة عجل الله فرجه بدانند ~~دگر~~ امید نجات و رستگاری هست

یا يك بلاد اسلامی که تسلط اولین دشمن اسلام را در اینجا آیت رحمت الهی بندارند قابل رحمت و رفت الهی و یا مستحق سخط و عذاب الهی است و آیا ان رفت و مهربانی امیراطوری بشما اهالی تبریز چیست؟ وان احمقاء دین اسلام که از اسلب حضرت امیراطور روس شده کدام است؟ ظاهراً مقصود از رفت و مهربانی امیراطوری کشتن چهار صد نفر و بانصد نفر عجزه و زن و بچه تبریز است که در وقته التانوم و ورود روسها به تبریز بدواز آیکه دستشان باشرار بقول شما نرسیده بنای انتقال جوت از قسطنطنیه و ققراء و مرمان بی ذرف گذاشته نوپرا بسته جمعی کثیر از مسلمانها را که کشته شدن آنها در نظر آقایان هیچ جای عالم صدمه نمیرساند (جان کردن کاتبها سلامت باشد) قتل عام نمودند

و یا کشتن حاجی علی حقه آنرا هفت هشت نفر عیال و دو پسر و بچه و نوکر و زنده و تراج اموال و تخریب خانه ختانی ها اطراف باغ شاه است . . . و یا اینکه مقصودتان از رفت و مهربانی امیراطوری تدبیرات بی شرمانه و هرزه کی سالدانیهای

روس است تا حدیکه در بعض کوجه ها و کنار نهر اطراف باغ شال . . . . خودشان را تکشف کرده بزهای مسلمانها نشان میدهند و بحسب مکاتب عدیده موقوفه که از خوی میرسد در اینجا هم زنها از ترس سالداتی روس بیرون نمی توانند بیایند ویا آنکه مرادتان از زرافت امپراطوری تخریب بعضی مساجد شهر و اربک دوق و صرف نمودن سنگ و آجرهای آنها در تعمیرات توی باغ شال است ، وشاهد این قضیه آجرهای مسجد نزدیک حمام داداش است که بقول شهابیادالله از فضل الهی و توجه حضرت حجة علیه السلام توی باغ شال برای تعمیر کلیسا صرف میشود

و اما احیاء دین که اسلام از طرف اعلی حضرت امپراطوری شده باشد ما هرچه فکر کردیم ، صدق برای او پیدا نکردیم مگر توب زدن بقبه مطهره حضرت رضا علیه التحیه و انشا را که بقول صاحب حریده (استجیر بالله) از فضل الهی و توجه حضرت حجت عجل الله فرجه توجید مظلوم حضرت حجت و گلوله باران نموده و یک هفته محن و حرم مطهر را [قاردوز] نموده هیچ کسی را راه نمیدادند و تمام سده مبارکه را مخصوص بسالدات ها و افسرها و زن های افسرها نموده بودند ، و در این بین غالب معذقات حرم و جواهرات و ودایع نفیسه را بتاراج بردند و قطع نظر از خرابی های خود گنبد مطهر و آستانه امروزه دویست هزار تومان تخمیناً مصرف تعمیر می برد ، اجمالا این اعمال ظالمانه دولت خرس شیعت روس که در تاریخ هیچ ملت وحشی یاد داده نشده ، مصائب آل محمد را تجدید کرده و کاری کردند که باید شیعیان تا روز قیامت از این مصیبت عظمی متأثر شده و اشک حسرت بریزند ، ولی بالاسف که در تبریز مرتکبین همچو ظلم شیعیان را توجه کرده حضرت حجت عجل الله فرجه میشارند که زخم بر قلب حضرت حجت و جگر صاحب شریعت اسلام کمتر از توب زدن خود روس ها نیست ؟

وانگهی آقایان تبریز اگر در مقام تصحیح اعمال ظالمانه روس ها بر آمده و آنچه اقدامات ظالمانه و خون ریزی ها را که در تبریز نمودند توجیه کرده و بگویند که این همه فجایع صلوه

چون مقدمه دفع اش را و وسیله اسراحت و آسودگی دسته مخصوص از مردم بود تماماً لازم بوده و بیخ وجه عینی نداشته است - چنانچه همین معنی از آن تلفرقاتی که در اواخر محرم در جواب تلفرقات نجف بتصویب صمد خان وقونسل روس مخبره نموده بودند صراحتاً فهمیده میشد ، پس توب زدن روس ها بقبه مبارک حضرت نامن الاثم را بجه وجه توجیه خواهند کرد ؟ و حال آنکه متحصنین مسجد گوهر شاد مثل مجتهدین مسجد مصمم مرکب از حجج اسلام و اعیان و نجار بلد بوده و مقاصد شایسته هم ساخته مطالب اهل مسجد مصمم بود نهایت شام صمدخان را از روس میخواستند آنها آمر صمد خان را که محمد علی میرزا باشد از روس میخواستند ، در این صورت توب زدن بمطاف صد ملیوت شبیه چه لزوم داشته و برای دفع کدام اشرار این داغها بر سینه اسلام و مسلمان گذاشت ؟ آیا غیر از عناد و لجاج و عداوت با جامعه اسلامی و کیناب کردن جگر مسلمانها وجه دیگری داشت ؟ آیا نباید در پیش تمام ملل عالم محرم نیست ؟ آیا مملکت گیری چه ربط برهنگ شاعر و شاعر اسلامی دارد ؟ اسفا اسنا علی الاسلام ! !

باید عامه مسلمانهای هندوستان سنی و شیعه جمع شده برای این فاجعه کبری که بزرگترین مصائب آل محمد است مجلس روضه خوانی منعقد نموده حیض آسپاه پوشید ، ناله ها و گریه ها نمایند ، و با زدهم ربیع الثانی را که روز توب زدن روس بر حرم مطهر حضرت رضاست و روز عزرا قرار بدهند ، و مانند روز عاشورا عزاداری نمایند ولی در سواد اعظم شیعه ها روس ها را طرف توجه حضرت حجت بنویسند و علما و سادات و ریش سفیدان آنجا محض نگهداری صمدخان دزد خان بر دست و پای قونسل روس افتاده و برای او - حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد افخم اعظم آقایی جنرال قونسل روس دامت شوکتہ العالی بنویسند

بارک الله بر حجت دینی و غیرت اسلامی ! بعضی از مردمان این شهر درحالتیکه عرب های طرابلس غرب را می بینند که فعلاً یک سال است در مقابل توب چاهی آتش فشان ایتالیا سینه ها را سپر کرده ، بیابان بی آب و علف طرابلس را با خونها می

جوانان رشید خود رنگین نموده در حفظ بیضه اسلام و خاک مقدس اسلامی از بند آخرین قطره خون خود مضائقه ندارند و چنانچه روسها بشما میگویند که ما بجهت دفع اشرار و فراهم آوردن اسباب اسزاحت شما آمده ایم ، ایتالیا هم کراواً مثل همین حرفها را که ما بجهت بیرون کردن ترکها و تعمیر بلاد و تحصیل اسباب رفاهیت شما آمده ایم در ضمن بیان نامه های متعدد به آنها تبلیغ نموده اند ولی مسلمان های ا غیرت و حیت ( کاهن بنیان حرص و حرص ) باین تسویلات بچه گانه دشمنان دین دره اعتنا نکرده از جهاد فی سبیل الله و امثال او امر دفاعیه شیخ سنوشی دقیقه تفاعد نکرده و قشون ایتالیا را در سواحل دریا محصور نموده اند ، اما در مملکت خراب شده ما روسها را که عداوتشان با عالم اسلام از دو بیست سال باینطرف در تزیاید بوده و حاجت و تقاضایان با اسلامیت صد درجه بیشتر از ایتالیا و سایر دول نصارا است و اسلام و مسلمین دچار این ضعف و ذات نشده مگر از تعدیات ظالمین سوز آنها - مع ذلک اینگونه ستایش کرده و مملکت اسلامی خودشان را در دستی منت و مسلم تقدیم اعلی حضرت امپراطوری میبایند ،

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد

وای اگر اریس امروز بود فردائی

اجالاً ما سبک مغزی عده از مردمان تبریز را از اول سنجیده و کراواً تجربه نموده ایم ، چنانچه تقریباً هفده سال پیش چندی نان در شهر کیسب شده تحریکات سری بعضی از متنفذین بنای تاراج خانه قائم مقام گذاشته شد ، جمعیت کثیری از رجاله و مردمان بی سر و پای شهر بدلاّت چند نفر مغرض رفتند در قونسول خانه روس متحصص شده ، و زیر بیرق روس یا چنین میکشیدند و چند سال بعد از آنکه پاراده باطنی بعضی از آقایان مسئله غارت خانه های نظام العلماء و اقارب او بیان آمد چه کارها کرده و چه حرکات ظالمانه نمودند ، همت و همت نفرطابه بیچاره بیطرف را شباه در معبر عام بدون هیچ سبب و جهت کشته و سرهای آنها را اسنک کوفتند و در دوره مشروطیت هم از همین رجانه ها و مردمان لابلای بعض فجایع و حرکات و کلمات پر مشروعه صادر شد که ننگ مشروطیت و اسباب از جبار و غیر

گنتمت امسال شوی به زیار  
وه که همان احق یارینه  
باری مادامیکه عوائف قلبیه روس برستان تبریز  
بطرف سن پترزبورغ باین درجه متوجه بوده و در  
هر امر جزئی و کلی داخلی بنا بر استمداد از امپراطور  
شده و در هر کاری اعتماد بر آفت و مهربانی امپراطوری  
یشود دگر جوی این همه تشویش و هیجان برای  
ورود آقای سپهدار انظم مانده ، حین برای  
هیچ گونه خوف و اندیشه نیست مگر اینکه خود  
این حقه با زیها هم بدستور العمل روسها باشد ، زیرا  
که امپراطور روس نسبت بر دمانیکه او را حامی دینشان  
بدانند همیشه مهربانتر از پدر و مادر آنها بوده سایه  
عطوفتش را از سر آنها نخواهد کشید - چه صد  
خان باشد چه آقای سپهدار ! بملت اینکه مثل ان  
اشخاص از خدا بی خبر که از عوائف دنییه بهره  
بری و از حیثیت و شرافت قومیت و اساسیت تکلی  
عاری بوده اخلاص و توجه شان با پراخوری روس  
باین اندازه ما بوده باشد ، نه در دعوات ( ماسکو )  
پیدا بوده و نه در تواج ( خارکو ) یافت  
میشود  
و اما درجه امنیت و آسایشی که در تبریز  
بواسطه سرپرستی امپراطور و اقدامات حضرت اشرف  
تبریزیها یعنی صدخان دزد قائم است از تخبیه که  
در همین روزنامه روسی در ذیل حوادث شری می  
نویسد بخوبی معلوم میشود دیگر چه امنیت بالائراز  
این که محض اینکه بکنار نوشته حشمت الدوله را  
که آقای سپهدار با اردو عازم تبریز است و من هم می

نقصان رسیده قور خانه و توپخانه و تفنگ و اسباب  
بسیار را گذارده فرار نموده و تا کنون جنگ  
جاری است

حبل المتین. کلکته ۵ نومبر. سه اردوی آسیای  
صغیر و شامات متوالیاً وارد، تأیید غیبی بقوای عثمانی  
میرسد عثمانیان ایقان بحسن خاتمه جنگ دارند. برخلاف  
میل دول باستانی تصنیف امتداد جنگ نمود مجروحین  
عثمانی زیاد - تأیید هلال احمر لازم

( ایضا )

رئیس پارلمان عثمانی

در تلگرافات جنگ خیلی مبالغه رفته نتیجه نیک  
خواهد شد

( رضا )

( ایضا )

در تاریخ ۳ در جنگ ( بترا ) قشون ما  
یک دویزن لشکریان یونان را سخت شکست داده  
عقب نشاندند - و شب هنگام به استحکامات کوهستانی  
لشکر ما قابض آمد - امروز قشون ما شروع به  
پیشقدمی خواهد نمود

( ایضا )

چهار روز است که قشون ما را مقابله سخت با  
لشکریان بلغار پیش آمده و این میدان از ( لولی  
برگاس و ویزا ) تا فاصله زیادی آراسته است  
لشکریان ما با نهایت هور و دلوری و فداکاری  
جنگ میبایند - بلغاریان از شمالی ( لولی برگاس )  
حمله باز گشت نمودند - در چهار طرف ادریانوبل  
جنگ جاری است و بی در بی قشون ما فتح  
نصیب می شود و با نهایت شجاعت در قرب و جوار  
ویزا دشمنان را تعقیب نمودیم ( ناظم )

( ایضا ۶ نومبر )

مجددا قشون ترکی ( سپرووج ) را از قبضه  
یونانیان باز گرفتند و یونانیان تفنگ های بسیار  
وقور خانه زیاد را گذارده فرار نمودند - در مقام  
برلب نیز قشون ترکی توپخانه یونانیان را تاخت و  
تاراج نموده

( ایضا ۷ نومبر )

سردار غربی قشون عثمانی چنین اطلاع داد  
اردوشیکه در میدان ( سپرووج ) بمحک بود بی در  
بی بردشمنان غالب آمده علاوه بر غنیمت قتل

بیم نقل بکنند، جمعی از اهالی شهر که هم قسم شده  
و جدد قتل او بیایند و حضرت اشرف تریزها  
را گرفته برده حضور را تادیب نماید ما فهمیدیم  
که نقل کردن يك نوشته را که قانون او یا چند  
روز بعد همه میدانستند منشاء چه تقصیر بزرگ بوده  
که مستوجب قتل یا تادیب میشود. گویا مقصود از  
منیت عمومی فقط امنیت يك دسته مخصوصی است  
که احراصات و افراط در خوش گذوانی آنها این  
به بلاها را بر سرعامه مانت آورد، عجیب اینکه در  
نیل عنوان اخبار داخله مینویسد سردار قفقاز از  
سن ( سپرووج ) حکم شده که باشراو شاهسون  
چنان رفتار نمایند که بایک نفر قطع طریق  
تاک بر سر همه چه جریده نویس ایرانی که تلگراف  
تربوری سردار قفقاز را اخبار داخله می نویسد  
هم این تلگراف کشتن ایرانیان در خاک ایران ،  
س بنا بر این اگر يك تلگرافی از طهران بشیراز  
یا نقل نماید باید در ضمن اخبار خارجه درج نماید،  
ای بر حال يك علامت اسلامی که این روزنامه  
روسی در پیش چشم آنها منتشر و ابراضور روسی  
با حای دین آنها قرار بدهد

( بقیه از صفحه هفت همین شماره )

باران و برف زیاد راه ها را غیر قابل العبور  
ساخته از این رو در حرکات قشونی تعطل پیش  
می آید

بر حسب تلگراف ( اخن ) یونان از رودخانه  
ز درنا عبور نموده و به زدپکی سلايك رسیده  
اند

پانزده هزار قشون عثمانی برای حفاظت شهر  
کوشاند ولی کان نبرود که سخت مدافعه توانند  
نمود

قسمی از مرض هیضه بین مجروحین اسلامبول  
شیوع یافته ، حکومت عثمانی تصفیه نموده است که  
بناه گزینان شهر اسلامبول را در آسیای صغیر  
جای دهد

( تلگرافات مخصوصه که اداره حبل المتین )

( که مرکز انجمن هلال احمر میباشد )

از این قرار است

۴ نومبر. ناظم یاشا راپوت میدهد که دیروز  
جنگی که در بنار حصار شده بلغاریان را سخت

و غیره حتی از دشمنان را هم اسیر نمود بر پنج کالسکه های راه آهن که مملو از قورخانه بود قبضه نمود و سه عرادۀ نوب دشمن را گرفته که اکنون برخلاف آنان بکار میبریم - از آن بد چهار نوب و تفنگ و قورخانه و بسیاری از آلات و ادوات حفظالصحه و ضروریات جنگ را گذارده بطرف سرحد فرار نمودند. در آنای جنگ که تشون ما لشکریان سرویا را تناب مینمودند نقصان زیادۀ بر آنها وارد آمد علم و قورخانه زیادی از آنها غنیمت ما آمده و در مقابل قتون سرویا برابر فتوحات حاصل نموده بیش بیرویم

( ایضاً )

( از قونسل جنرال عثمانی مقیم بمبئی )

حبل المتین - کلکته

امروز از اسلامبول جنرال تلگراف رسیده - در اطراف ادربایوبیل که جنگ جاری است حقیقت امر ازین قرار است - ۲۲ و ۲۳ اکتوبر فتون ادربایوبیل از شهر خارج و در کیوسناف - سنان - کرادلی جان ( حمله نموده فتح حاصل شده - دشمن از پلو حمله آورد - از آن بد جنگی که بیش آمد خیلی سخت و بزرگ بود و در این میدان هم حملات خصم رد شده آنها را عقب نشاندیم - ۳۰ اکتوبر فتون ترکی از قلعه خارج شده حمله برده دشمن را تا میل عقب راند - در این جنگ نیز دشمنان نقصان عظیم یافتند - در جنگ ۵ نوامبر هم دشمن را سخت نقصان رسید

جنرال

حسابات مسلمانان هند منباب عثمانی

در این موقع که سخت ترین موانع برای خلافت عثمانیه است مسلمانان هندوستان را يك گنه مہيجان وحشی نمودار گردیده که در هیچ موقع چنین ابراز حیاسی نموده بودند در جمیع شهرهای بزرگ و قصبات و دهات کوچک هم مسلمانان در جمع نمودن اعانه برای مجروحین عثمانی ابراز همدردی و حیاسات اسلام را ظاهر میدارند، در عرصه چند روز غیرتمندان قرب دو بست و پنجاه هزار روپیه جمع نموده و تخمیناً روزانه پانزده هزار روپیه جمع میشود، انجمن هلال احمر که مرکز آن اداره حبل المتین است درین هفتۀ خیلی

ابراز حیاسات نموده تخمیناً هشتاد هزار روپیه جمع و پنجشنبه گذشته ۱۵۰۰ لبرای انگلیسی باسم رئیس انجمن هلال احمد عثمانی فرستاد و همه هفتۀ متوالیا آنچه جمع آوری می شود فرستاده خواهند شد مسلمانان کلکته همه قسم برای دادن اعانه حاضرند ولی افسوس کنای که بید جمع این وجوه اعانه را بنمایند کم داریم، امید است در آتیہ بیش از پیش غیرتمندان اسلامی درین راه خبر حصه گیرند

تلگرافات مبجمه

بر حسب تلگراف بکن دلائل لامه ثبت رادوات چین با فرمان خاص مناب اعزازات و خطابات اولیه نامزد فرمود

ولیمهد روس که چندی است عایل بود استراحت نموده بهتر شده است - نامه برای دانستن سبب علالت شوغالی نمایند

بر حسب تلگراف ( مادرید ) پس از مخبرات چند ماهه بین فرانس و اسپانی منباب مراکو که نزدیک به قطع مخبرات شده بود تصحیه کامل یافت که فرانسه قطعه از مستمرات کانگوی خویش را به اسپانی و اسپانی مقدار فایدلی را بی برانسه بدهد

مخبر دوتر خبر میدهد که جنرال داند و دو افسر دیگر که بدانت عرفیه سپرده آمده بودند حکم باعدام شان صادر گردید

مستر آگنند در جواب قرضه دول شش گانه بچین دربارمان انگلستان اظهار داشت که بریطانیای عظمی قرضه دول ششگانه را فعلاً معطل فرض می نماید، نیز حاضر بست که سایر صرافان وا در دادن قرضه بچین تأید نماید، مراسلاتی چند در خصوص قرضه ششگانه شده عقیده او این است که دولت چین پای بند است پسند نامه ۹ مارچ که در تاریخ ۱۷ می تصدیق شده است

در دارالشوای ملی انگلستان منباب قرضه چین ( مسر نوز من کرپنگ ) پرسش نمود که ملک دولت در خصوص قرضه هساکانک شنکار بانک بچین چیست ؟ سر ادوردگری جواب داد که دول شش گانه مخالفان باقرضه خارجی بچین خواه هساکانک شنکار بانک باشد یا دیگری



( شورش عساکر بحری روس )

در خصوص حوادث اخیر بنادر نظامی و طغیان و تمرد عساکر بحریه جہازات دریای سیاه و اعلان حکومت نظامی در بنادر نظامی بحر اسود و بحر بالتیک که افکار روسیه را جدا بخود جاب نموده و تا کنون اسباب محاکمه و اعدام ده نفر از عساکر مزبور شده است جریده (دابلینو) چنین می نویسد عساکر بحریه و شورشیان نقشه بزرگ خطرناکی داشته و در تیره و تدارک اقدام عظمی بود. خیال داشتند که ابتدا جہاز مخصوص امپراطوری (اشنادر) را تصرف کرده مجموع قاپیل امپراطوری را دستگیر و توقیف نمایند

بعد از دستگیری کلید خانواده سلطنت آنان را مجبور نمایند که از سلطنت مطاقه و استقلال ناممکن است چنانچه مشروطیت حقیقی و کنگستی توسون واقعی را به ملت اعطا نمایند

گرفتاری و دستگیری قاپیل سلطنت برای اسکادرهای بحریه بالتیک علامت و نشان بوده قبلا بین عساکر بحر اسود معروف بوده است که بعضی آنکه اینها چنین اقدامی نمودند آنان هم فوری تمام رؤسا و صاحب منصبان خود را دستگیر کرده و بلا فاصله با اتفاق یکدیگر بنادر نظامی [ کرسناد ] و [ سن پترسبورگ ] را بمبارد نموده کنگستی توسون و اعلان نمایند

( تلگرافات واجبه به ارباب )

بر حسب اشاء اخبار رسمی سیم تلگراف بین کرج و ادبسه که به طهران میرفت خلد یافت

بر حسب تلگراف لاهور وقایع نکار شیراز سول ملتری گزت می نویسد که اووبایان در شیراز مثل اینکه در محاصره باشند زندگی مینمایند ، هیچ کس نمی تواند تافاصله دراز از شهر خارج گردد و صد او غروب آفتاب از خوف دزدان درهانه

بند کرده در خانه باید بماند ، مجددا هم برنگردد اهالی اروپا حمله شده

مستر فرگسن بازن و بچه خود غروب آفتاب قریب خانه خویش بود که ۳۰ نفر آنها را احاطه نموده خواستند سوار اسپان خویشان کرده فرار نمایند همان نزدیکی سپاهیان ایرانی خبر شده رفع این خطر را نمودند ، اندک اندک دزدان جور و دلبر می شوند لازم است آنها را سخت سزا داده اسلحه شان را بگیرند

یکی از موثقین این اداره که از راه شیراز و بوشهر وارد کلکته گردیده ضمن صحبت آنچه بیان کرده مخالف و ضد نگارشات وقایع نکار ( سول ملتری نیوز ) لاهور میباشد - چون معزی الیه خود از این راه آمده و همه امور را برای الیه مشاهده فرموده یقیناً بیاناتش قابل اعتماد است ، بیان کرد که راه کاملاً مأمون فقط برخی زیادنیهای حزق از تنگجیان محافظین راه بپارین می شود و این فیصه امنیت را هم امیدواری داده که آقای مخبر السلطنه فرمانفرمای فارس بسرعت رفع خواهند فرمود - صوت الدوله نیز اظهار امانت از دولت دارد و عقرب رفع برخی اختلافات خانگی هم از فارس خواهد شد

در خصوص انتشارات فارس سبب را چنین بیان کرد عمده دستهای بالتیکی خارجی ، و مطلب همان است که مکرر جبل التین نگاشته یعنی شیراز در جنوب نقطه مقابل تبریز در شمال واقع گردیده هر وقت تبریز امن شود شیراز هم مأمون خواهد ماند - علت دیگر که نباید از علت اوایه شده اختلافات خانگی و لجاجت های ایلانی است و عقیده اش این است که هرگاه آقای مخبر السلطنه که مسلک بعضی شان مسلم است اندک فعالیت بخرج دهند طول نخواهد کشید که این علت رفع گردیده و علت اولیها خدا که قدرت خواهد داشت